

فعالان سندیکای شرکت واحد باید بدون درنگ آزاد شوند

منصور اصلانلو، رئیس هیات مدیره، ابراهیم مددی، علی زاد حسین و شمار دیگری از سرشناسان سندیکا از جمله کسانی هستند که دستگیر شده‌اند.

برپایی تشكلهای مستقل صنفی برای حل و فصل مشکلات کاری و روابط بین مزدگیران و کارفرمایان حقی است که جامعه جهانی سالهاست آنرا به رسمیت می‌شناسد. عدم برخورداری مزدگیران ایرانی از چنین حقی خلاف همه معاهدات بین‌المللی به ویژه منشور جهانی حقوق بشر و منشور سازمان جهانی کار است.

دخلات همه نیروها بویژه فعالان جنبش کارگری برای دفاع از حق تشكل یابی کارکنان شرکت واحد، دفاع عام از این حق است و می‌بایست بدون اما و اگر، یورش ضد کارگری دادستانی رژیم ولایت فقیه را محکوم کرد و خواستار آزادی فعالان سندیکای شرکت واحد شد. (در صفحه ۲)

سرمقاله

یادداشت سیاسی

راه کجا از عراق می‌گذرد؟

مهندی سامع

رسننجانی شریک دزد است،
نمی‌تواند رفیق قافله باشد.

نگاهی به رویدادهای جنبش کارگران و مزدگیران
صفحه ۵

جهان در آینه مرور – صفحه ۶

پروازهای مرگ بر فراز اروپا – صفحه ۸

سیاستهای نولیبرالیستی و جنبش زحمتکشان جهان
صفحه ۹

در این مرز پرگهر و «مدینه فاضله اسلامی» مردم را به خاک
سیاه نشانده اند – صفحه ۱۱

زنان در مسیر رهایی – صفحه ۱۴

علی اکبر هاشمی رفسنجانی طی ۲۷ سال گذشته فراز و فرودهای بسیاری داشته است. مافیای قدرت و ثروتی که رفسنجانی آن را هدایت می‌کند همواره از او یک چهره سیاسی غیر قابل حذف در نظام جمهوری اسلامی ترسم کرده است. هاشمی رفسنجانی علیرغم ضربه سینگینی که ولی فقیه در آخرین نمایش انتخاباتی بر او وارد کرد، همچنان برای حفظ موقعیت خود به عنوان فرد دوم نظام که با فرود احمدی نژاد زیر سوال رفته در چند عرصه تلاش می‌کند.

رسننجانی یک مدافع سرسخت استبداد مذهبی ولایت فقیه بوده و هست. او در اساسی ترین مسایلی که نظام با آن درگیر بوده و هست همواره در صف اول و در کنار ولی فقیه بوده است. او در مورد عراق به خوبی از فرست پیش آمدۀ آگاه است و می‌داند که مداخله موثر و چند جانبه رژیم در عراق فرست بی نظریست که می‌تواند در چالش با نیروی اشغالگر و با استفاده از اهرمهایی که در عراق ساخته شده، امنیت نظام به طور نسی تأمین شود.

رسننجانی در نماز جمeh روز ۲۵ آذر عراق را نقطه‌ای عطفی در منطقه معرفی می‌کند و در رابطه با انتخابات عراق می‌گوید: «ما در این پیروزی با ملت عراق شریکیم، چرا که برای مقدمات آن بسیار هزینه کرده‌ایم». بقیه در صفحه ۲

فعالان سندیکای شرکت واحد باید بدون درنگ آزاد شوند

جعفر پویه
از تهران خبر می‌رسد که صبح پنجشنبه اول دی ماه، عوامل دادستانی رژیم جمهوری اسلامی در یک یورش تعدادی تهران را دستگیر و به محل نامعلومی منتقل کرده‌اند.

منصور اصلانلو، رئیس هیات مدیره، ابراهیم مددی، علی زاد حسین و شمار دیگری از سرشناسان سندیکا از جمله کسانی هستند که بدون هیچ توضیحی دستگیر شده‌اند.

رژیم ولایت فقیه که هیچ گونه تشکل صنفی غیر وابسته برای دستیاری به حداقل‌های شغلی کارگران و مزدیگران را بر نمی‌تابد، تا کنون تهاجمات مختلفی را برای مرعوب کردن فعالان سندیکای کارکنان شرکت واحد سازمان داده است. اما این تهاجمات با حمایت همه جانبه کارکنان شرکت واحد، به ویژه رانندگان زحمتکش آن که از فعالان سندیکا هستند ختنا شده است. یورش گله‌های اوباش وابسته به شوراهای اسلامی در پناه عناصر امنیتی و بازداشت‌های خودسرانه و آزار و اذیت تا کنون در مورد این نهاد صنفی کار ساز نشده و آنها را از بربایی یک تشكیل غیر وابسته باز نداشته است. به همین دلیل، عناصر ضد کارگری و ضد انسانی دادستانی بار دیگر دست به یک حمله جدید زده‌اند و شمار دیگری از آنها را دستگیر کرده‌اند. پر بدیهی است که نخستین هدف اوباش وابسته به رژیم جمهوری اسلامی، از میدان بدر کردن فعالان این نهاد صنفی است. بنابراین ضروری است که همه فعالان سیاسی و اجتماعی، به ویژه مدافعان حق تشكیل یابی اقشار مختلف جامعه برای دستیابی به حقوق صنفی خود، به این موج جدید دستگیری اعتراض کرده و خواستار آزادی بدون قید و شرط فعالان سندیکای شرکت واحد اتوپوسرانی شوند.

دفاع از حق داشتن تشكیل یک پرنیزی است. برپایی تشكیل‌های مستقل صنفی برای حل و فصل مشکلات کاری و روابط بین مزدیگران و کارفرمایان حقی است که جامعه جهانی سالهاست اینا به رسالتی می‌شناسد. عدم برخورداری مزدیگران ایرانی از چنین حقی خلاف همه معاهدات بین المللی به ویژه منشور جهانی حقوق بشر و منشور سازمان جهانی کار است.

دخلات همه نیروها بویژه فعالان جنبش کارگری برای دفاع از حق تشكیل یابی کارکنان شرکت واحد، دفاع عام از این حق است و می‌باشد بدون اما و اکر، یورش ضد کارگری دادستانی رژیم ولایت فقیه را محکوم کرد و خواستار آزادی فعالان سندیکای شرکت واحد شد.

ملی است زیرا دنیا به سرعت در حال تحول و حاکمیت افکار عمومی است، اگر در سی سال گذشته این روال آرام آرام با درجه ای از شتاب پیش می‌رفت الان این شتاب بسیار زیاد شده است و این هم به خاطر انفجار اطلاعات است.»

همین چند جمله که از صحبت‌های هاشمی رفسنجانی آورده شد، عمق فاصله نظام ولایت فقیه با پیشرفت و تکامل جامعه مشخص می‌شود. وی از ترمهایی صحبت می‌کند که در اساس با استبداد مذهبی حاکم که رفسنجانی نیز یکی از شرکای جدی آن است در تضاد قرارداد و بنابرین این بخش از حرفاها او فقط برای آن است که در گردباد آنی در نقش رفق قافله نیز ظاهر شود. اما بخش دیگر حرفاها او که به «سهم واقعی در قدرت» و «تأثیرگذاری» در کل کشور می‌پردازد، حرف واقعی و هدف اصلی اوست که می‌خواهد رفیق دزد باشد.

او و جریان جدیدی که با همکاری خاتمی ایجاد کرده، خود را برای لحظه‌ی که بن بست رسیدن خط اعلام جنگ که احمدی نژاد به نیابت اعلام جنگ از احمدی نژاد به نیابت مثبت و منفی به من شد و من دیدم از ولی فقیه آن را نماینگی می‌کند، آماده می‌کند. او می‌خواهد بازی شیادانه ای را که ۸ سال خودش و ۸ سال دیگر خاتمی به آن مشغول بود را برای بار دیگر تکرار کند.

این پروژه بر این اساس طراحی می‌شود که در صورت به بن بست رسیدن خط «اعلام جنگ» احمدی نژاد، چشمها بازهم به درون حکومت دوخته شود. اما واقعیت سخت و غیر قابل انکار این است که در چارچوب نظام ولایت فقیه هیچ راه حلی برای اصلاح و رفرم وجود نداشته و نخواهد داشت. وجود احمدی نژاد این امر را بیش از هر استدلال نظری ثابت می‌کند.

مردم ایران برای یک تحول دمکراتیک سالها مبارزه کرده و این مبارزه اکنون با شدت و حدت ادامه دارد. مردم ایران و نیروهای دمکراتیک و تریخواه با هشیاری، آگاهی و آمادگی می‌توانند تحولات آتی در مبارزه علیه نظام حاکم را به سود خود ورق زده و از تکرار بازیهای مزورانه ای امثال رفسنجانی و خاتمی جلوگیری کنند.

۱۳۸۴ آذر ۳۰

نفت قدرت نسبی رفسنجانی و شرکای جدیدش را نشان داد. سرانجام با مصالحه و با این قول که پرونده‌های فساد مالی در وزارت نفت همچنان در بایگانی بماند، چهارمین وزیر پیشنهادی برای پست وزارت نفت به تائید مجلس ارجاع رسانید.

اما در مورد هدفهای آتی رفسنجانی گفته‌ها و نوشته‌های بسیاری وجود دارد که می‌نوان از میان آن به نقشه او چهاردهمین همایش فصلی خانه احزاب وابسته به نظام که در روز پنج شنبه ۱۲ آذر، آن هم در شرایطی که هیچ چهره سرشناس از گروه‌هایی وابسته به خامنه‌ای (جامعه اسلامی اصناف و بازار، حزب موافق اسلامی، جامعه اسلامی فرهنگیان و....) در آن شرکت نداشتند و وزارت کشور مجبور به برگزاری رسمی آن شده بود قابل تأمل است.

رفسنجانی در اجرای آن شکست خورد و مجبور به نوشیدن جام زهر گردید، اکنون عمل ملا خور کردن نه فقط کربلا بلکه کل عراق به لطف محاسبات فاجعه بار بوش و شرکا در دستور کار رژیم ایران است که در این زمینه پیشنهایی هم برای ملاجیان به دست آمده است.

(شروع: شنبه ۲۶ آذر ۱۳۸۴)

او گفت: «ما الان تهدیدات جدی داریم، برای ما خلی خواب ها دیده نژاد، چشمها بازهم به درون حکومت اند.» و سپس در ادامه صحبت‌هایش خواستار تشکیل «جههه و ائتلاف» از سوی احزاب شد و خطاب به

گفت: «اگر می‌خواهید بر قدرت، تأثیرگذاری داشته باشید، باید به هم نزدیک شده، ادغام شوید و جبهه تشکیل دهید تا توانید سهم واقعی خود را در قدرت ایفا کرده و در کل کشور هم تأثیرگذار باشید.»

این حرفاها رفسنجانی به خوبی همیمانی با خاتمی در صدد برآمد تا به تدریج و با ایجاد و گسترش یک «جههه» جدید از یک طرف در همین شرایط برای سهم بیشتر در چاپول چانه زنی کند و از طرف دیگر برای شرایط احتمالی که سیاست کنونی ولی فقیه به بن

بست بررس، خود و دار و دسته جدیدش را آمده کند.

پیروزی از آن جهت است که درست برخلاف آچه که آمریکاییان تعقیب می‌کردند، پیش آمد....ما از ابتدا هم می‌دانستیم که آمریکاییها در منطقه گرفتار باتلاق خواهند شد.» (ایسن) همین مساله را روزنامه جمهوری اسلامی در سرقاله روز شنبه ۲۶ آذر به این شکل بیان می‌کند که انتخابات عراق در این مرحله دارای اهمیت خاص می‌باشد و هر کس که در این مرحله بتواند مجلس را در اختیار بگیرد، آینده عراق در دست او خواهد بود.

بنابرین خامنه‌ای، رفسنجانی و همه‌ی جناحها و باندهای وابسته به نظام در کمین بلیغین عراق هستند و به جای شعار «فتح قدس از طبق کربلا» که خمینی با همه‌ی اقتدارش در اجرای آن شکست خورد و مجبور به نوشیدن جام زهر گردید، اکنون عمل ملا خور کردن نه فقط کربلا بلکه کل عراق به لطف محاسبات فاجعه بار بوش و شرکا در دستور کار رژیم ایران است که در این زمینه پیشنهایی هم برای ملاجیان به دست آمده است.

این فرست پیش آمده تا وقتی در عمل به صورت فرست باقی بماند، نمی‌تواند سبب افتراق در هرم قدرت ولایت فقیه شود. این را هم خامنه‌ای و هم رفسنجانی به خوبی می‌دانند که هرگونه اختلاف در این زمینه فرست باد آورده را به تهدید تبدیل می‌کند.

اما رفسنجانی برای حفظ مافیای خود هشیارتر از این است که تنها با کارت وحدت با ولی فقیه بازی کند. درست از همان لحظه ای که رفسنجانی فهمید خامنه‌ای با نقشه ای ماهراه و الیه شیادانه قصد به قدرت رساندن یک کوتوله سیاسی را دارد، از یک طرف متوجه به «خدادا» شد و از طرف دیگر در یک همیمانی با خاتمی در صدد برآمد تا به تدریج و با ایجاد و گسترش یک «جههه» جدید از یک طرف در همین شرایط برای سهم بیشتر در چاپول چانه زنی کند و از طرف دیگر برای شرایط احتمالی که سیاست کنونی ولی فقیه به بن بست بررس، خود و دار و دسته جدیدش را آمده کند.

در مورد چانه زنی برای سهم بیشتر در چاپول، ماجرا عدم تأثیرگذاری ۳ وزیر پیشنهادی احمدی نژاد برای وزارت

سرمقاله

راه کُجا از عراق می گذرد؟

منصور امان

تفاوت صورت مساله‌ی عراق با افغانستان

آن چه که زمین را از زیر خوش بینی آقای خلیل زاد می کشد و به طبع روسيه را نیز در انتظار پاسخ به پیشنهاد خود باقی می گذارد، تفاوت کیفی صورت مساله‌ی عراق و افغانستان است. واقعیتی که ملاها بر به رسمیت شناخته شدن آن با فشرده و با پیش شرطهای متفاوتی در مقایسه با تفاهم افغانستان، به دعوت نماینده آقای بوش پاسخ می دهد:

- نخست، اشغال عراق به دست آمریکا برخلاف اولین جنگ علیه عراق در سال ۹۰ و اشغال افغانستان در سال ۲۰۰۱، طی یک پرسوشه‌ی یکجانبه و بدون پیشتبانی بین المللی صورت گرفته است. در این میان آشکار گردیده است که محسابات کاخ دیپلماسی پنهانی ای که به پایین تکریه شدن فتیله دست نشاندگان جمهوری اسلامی در این کشور مانند اسماعیل خان، جنگ سالار هرات و حزب الله هزاره یا اخراج مُحتَرمانه آقای گلبدین حکمتیار، ریس حزب اسلامی افغانستان از ناهگاه امن خود در دامن ملاها انجامید، به شمار رود. توافقهای آقای خلیل زاد به عنوان نماینده آمریکا و سفیر این کشور در افغانستان و فرستادگان جمهوری اسلامی به ژئو، محل مذاکرات، اکنون می توانست به عنوان نقطه آغازی ایده آل، راه را برای دستیابی به نتایجی مشابه در عراق بگشاید.

به خوبی می توان مشاهده نمود که خط راهنمای سیاست خارجی جمهوری اسلامی را، طی یک دوره به نسبت طولانی، زیست و تعذیه از شکاف پدید آمده‌ی ناشی از پرش آمریکا تشکیل می داده است. گسل در روابط و منافع قطبهای جهانی آمریکا و اروپا، حتی اگر به سطح کوتی یعنی پرهیز کشورهای عضو اتحادیه اروپایی از کمک مُستقیم به آمریکا برای حل مشکلات خود در عراق کاهش یافته باشد، همچنان بدان گستردگی هست که توانایی ایالات مُتحده را برای بستن کیسه‌ی غنیمت گرفته شده، محدود سازد. تحت چین شرایطی، ملاها می توانند عراق را میدان نبردی تصور کنند که تنها دو نقش آفرین اصلی دارد: آمریکا و جمهوری اسلامی.

- سپس، دشوارهای و موانع مهمی که پروره اشغال نظامی عراق، سرنگونی دولت این کشور و بی ریزی و جایگزینی یک ساختار حقوق - سیاسی جانشین با آن روپرور گردیده است، از نگاه رژیم ملاها به خودی نزدیک است. این بقیه در صفحه ۴

معامله را تشکیل ندهد، شناس موققیت یا - آنکه که جامعه بین المللی شاهد بود - توانایی باز حساس بین کشوری را داشته باشد. پس از آن که آقای خلیل زاد، سفیر ایالات مُتحده در عراق، آشکار ساخت که مجوز مذاکره با ملاها را از ریس جمهور خود دریافت کرده است، جستجوی نام و محل زمینی که جمهوری اسلامی بخت خروج از بحران دور بعدی فُمار بر سر خروج از بحران را در آن به آزمایش می گذشت،

چندان دُشوار نبود. همانگونه که وی در توضیح این اقدام بیان داشت، تجربه موفق همکاری دو کشور در افغانستان، به گونه بالقوه می تواند زمینه‌ی مناسبی برای تکرار دیپلماسی پنهانی ای که به پایین کشیده شدن فتیله دست نشاندگان جمهوری اسلامی در این کشور مانند اسماعیل خان، جنگ سالار هرات و حزب الله هزاره یا اخراج مُحتَرمانه آقای گلبدین حکمتیار، ریس حزب اسلامی افغانستان از ناهگاه امن خود در دامن ملاها انجامید، به شمار رود. توافقهای آقای خلیل زاد به عنوان نماینده آمریکا و سفیر این کشور در افغانستان و فرستادگان جمهوری اسلامی به ژئو، محل مذاکرات، اکنون می توانست به عنوان نقطه آغازی ایده آل، راه را برای دستیابی به

نتایجی مشابه در عراق بگشاید. موضوع تلاشهای هسته ای ملاها به مثابه چالشی داغ و به روز، در این میان برای ایالات مُتحده نقشی کلیدی ایفا می کند. فشار بین المللی ای که از این جانب متوجه جمهوری اسلامی است و تله ای که رهبران حکومت با پای خود به داخل آن لغزیده اند، برای آمریکا یک فاکتور موثر در وادار نمودن آنان به عقب نشینی در عراق به شمار می رود. از سوی دیگر، جمهوری اسلامی نیز، تمام نیرو و امکانات خود را برای بهره گیری از فرصتی که دشوارهای کاخ سفید و پنتاگون در عراق برایش به ارمغان آورده، به کار بسته است. در مرتبه نخست اهداف رژیم، مساله تضمین امنیت و ثبات سیاسی قرار گرفته، یک نگرانی که به پنداشت جمهوری اسلامی، انگیزه‌ی آن برای دستیابی به جنگ افزار اتمی را توضیح می دهد و زدودن آن از جانب آمریکا، قادر به حل مُناشه در این باره و از جمله، تأثیرگذاری مُثبت بر رویکرد جمهوری اسلامی در برابر راه حل‌هایی همچون پیشنهاد روسيه، می باشد.

توافقات زیر میزی پیش از

نشست شورای حُکام

پیرامون توافقات زیر میزی دو طرف و موضوع و مُفاد دیپلماسی پنهان آنها، گمانه زنیهای گوناگونی وجود دارد، روشن اما این است که نخست، پیشنهاد روسيه یک وجه مهم توافق را تشکیل می دهد و دوم، پیشنهاد مزبور بر غیرقابل قبول بودن پیشنهاد مزبور از دست می دهد. رویکرد رژیم ملاها شورای عالی امنیت روسيه به ایران در آستانه نشست شورای حُکام، گفته های پُر شمار مسئولان و پایوران روسي در این باره - نه در انتها - واکنش به حساسیت آلوهه‌ی صفت مُکران مکتبی در جمهوری اسلامی در این باره، می تواند اثبات شده از لعلی شده به منظور تخفیف بحران، گفتگوهای ۲۱ دسامبر تقریباً پیشاپیش موضوعیت خود را از دست داده است و همراه با آن، فرصةت به دست آمده برای جمهوری اسلامی پس از آخرين نشست شورای حُکام نیز می تواند سوخته انگاشته شود.

هیجانگامی که شورای مزبور، بدون وارد شدن به جزیيات، تصمیم در باره ارجاع پرونده امنی ملاها به شورای امنیت سازمان ملل را از دستور کار نشست خود در اوخر نوامبر گذشته (اوایل آذر ماه) کنار گذاشت، تنها دلیلی که می توانست این دگرگونی رویکرد ناگهانی را توجیه کند، یک دیپلماتیک به منظور برخورد با تلاشهای هسته آن، از سیاست صبر و بانتابند. تلاش جمهوری اسلامی برای مسکوت گذاشتن این پیشنهاد و مُطلق راهگاه داشتن آن بر فراز تلاشهای لغزیده اند، برای آمریکا یک فاکتور موثر در وادار نموده به تکذیب آن پشتباشد. دلیلی که می توانست این دگرگونی رویکرد ناگهانی را توجیه کند، یک مُصالحه‌ی خارج از جلسات رسمی بود. گمانه ای که اعلام آمادگی جمهوری اسلامی برای از سرگیری گفتگوها با سه تفکیک اروپایی، آن را تایید می کرد. پیش از این، جمهوری اسلامی با رد پیشنهادات طرفهای مُذکوره، اصل گفتگو با آنها را زیر سوال برد و خواهان انجام مُذاکرات در چارچوب آزادسین بین المللی ابرزی اتمنی و سپس، افزوده شدن کشورهایی مانند آفریقای جنوبی، هندوستان، چین و روسيه بدان شده بود. همچون اعضای شورای حُکام، ملاها نیز علاقه زیادی به توضیح دلایل عقب نشینی خود از این موضع نشان ندادند و این به خوبی پرده ابهامی که این کشور بدان شهته ای آنها گستردگی شده بود برا نمایان تر می کرد.

سرمقاله

است که کنار گذاشتن باند "اصلاح طلبان" از حکومت، به مخاطب قرار گرفته شدن طرف حسایهای اصلی کمک شایانی کرده است اما این هنوز از معرفی هیرارشی مُتعارف و قانونمند فاصله زیادی دارد.

شانس کدام طرح بیشتر است؟ نماینده آقای بوش و فرستادگان جمهوری اسلامی با دو پیش فرض متفاوت از سطح و دامنه گفتگوها یکدیگر را ملاقات می کنند. در همان حال که ملاها با مجموعه ای از موضوعات بحث پذیر که مساله عراق را نیز شامل می شود، راهی این دیدار می شوند، آمریکا مایل است تهرا جزیيات فنی، تکنیکی و اجرایی معماله در عراق در دستور کار قرار گیرد. این رویکرد هنگامی تغییر خواهد یافت که جمهوری اسلامی شواهد روشی از آمادگی برای بازیبینی سیاستهای کنونی خود به ویژه در دو آزمون انتخابات پارلمان عراق و مذاکرات هسته ای با اروپا و روییه در اختیار بگارد. همانگونه که پیداست، اختلاف برداشت در این پهنه، به گونه عملی جمهوری اسلامی را با تهدید رانده شدن به بُن بست در هر دو محور یاد شده، روپرتو می سازد.

تاكید چند باره و - به لحاظ انتخاب زمان اعلام - معنا دار پایوران گوناگون واشگتن مانند خانم رایس و سخنگویان کاخ سفید بر محدود بودن گفتگوها با جمهوری اسلامی به مساله عراق و "کاهش نازاریها" در این کشور، جای سوءتفاهی انگلی برای درک مفهوم مأموریت آقای خلیل زاد به گونه ای مُشخص و سیاست ایالات مُتحده به طور کلی بر جا می گذارد. ازیابی رهبران جمهوری اسلامی از چگونگی توانی بین دو پارامتر "تهدید" و "فرصت" عراق، سیاست انها در برخورد به مساله بُحران اتمی را نیز شکل خواهد داد. بی گمان یکی از انگیزه های تحریکات میان تهی اما حسایت برانگیز ریس جمهور ولی فقیه علیه اسراییل را تشویق آن به حساب "فرصت" مزبور تشکیل می دهد. واکنش برانگیخته شده در این باره که این بار با طرح اقدامات عملی برای کیفر دادن خاطی نیز همراه بود، باریکی لبه ای که جمهوری اسلامی روی آن در حال مانور دادن است را به نمایش می گذارد. پُرسش به متوقف شدن یا شدن این بازی بر نمی گردد، مساله لبیک ای این است که این امر اتفاق می آفتد و آسیبهایی است که تا آن زمان مُتوجه مردم و منافع آنان گردیده است.

اسلامی به میان افکنده می شود، بیشتر از آن که ارزش عملی داشته باشد، مورد مصرف تبلیغاتی داشته و همچنین اشاره ای برای توجه به پیام بین سطراها است. زیرا محورهای جدایی ای اختلاف، به گونه مجرد نه شکل گرفته اند و نه به همین دلیل، در قالبهای انتزاعی مُذکره پذیر هستند. مسایل مزبور تهرا در هیات دریجه یا سکوی پرش به سوی نزدیکی به حل اختلافهای بینیانی، گنجایش تبدیل به موضوعی برای مُذکره را دارا هستند و در حققت نقش دموکراسی مسیر را پیشنه عراقی خود و به دست آوردن فرستاد باد اورده اهدایی آمریکا برای "استفاده بهینه" از آنها، تحت هیچ شرایطی حاضر به از کف دادن آن بنابراین، طرح مُذکره تا آنجا که به انتظارات رژیم ولايت فقهی برمی گردد، در این چارچوب مُشخص است:

- توافق بر سر عراق منوط به پذیرفته شدن جمهوری اسلامی به عنوان شریک یا رقیب همسنگ آمریکا در این کشور است

- محورهای بر هم زننده ثبات "نظام" مانند ایزارهای فشار اقتصادی، منزوی ساختن بین المللی و اپوزیسیون حکومت، بخش جدایی ناپذیر معامله به شمار می روند

- و سر آخر، جایگاه حکومت ملاها در

نظم منطقه ای می باشد اینجا که به آن پس از این چهار رژیم ولايت فقهی، این چهار رژیم ولايت فقهی، حاشیه نویسی

پاسخ واقعی به این سوال را ملاها می

توانند نزد خود بینانند. انها در صورتی که آماده باشند انگیزه ای - به حقیقت موجود - عمل گرایی آمریکا را تشویق و به این کشور در معادلات اقتصادی و امنیتی مربوط به آن، منظور گردد.

رهبران حکومت می پُرسند، هنگامی که آمریکا با رژیم طلبان، باند ترویستی بن لادن، حکومت لیبی یا - با کمی مُسامحه - کره شمالی قادر به سازش بر سر موضوعات مورد علاقه خود می باشد، چرا همین پراگماتیسم نمی تواند در مورد رژیم آنها اعتبار پیدا کند؟

باشند همچنان که اینجا می داشتند، هیچ روش بهتر و موثرتری از کنار گذاشتن برخی سیاستهای استراتژیک خود ندارند. به بیان دیگر، کلید حل مُعمما در آن دسته از اصول پایه ای در ساختار ایدیولوژیک و سیاسی این کشور در برای خود تبدیل کنند، هیچ روش بهتر و

انگلیسی را نیز نمی توان مُعامله ای غیر پراگماتیستی و تنها از سر اجرار دانست.

مُعادله مزبور به دلایل کاملاً روشن در عراق اعتبار ندارد. تجمع سرهم بندی شده جمهوری اسلامی تحت نام "مجلس اعلای انقلاب اسلامی" و "سپاه بدر"، هم اکنون به یکی از فاکتورهای مهم صحنه ای سیاست در عراق بدل گشته است و این شانسی است که جمهوری اسلامی پس از دو موضوعی برای مُذکره را دارا هستند. در حققت نقش دموکراسی مسیر را پیشنه عراقی خود و به دست آوردن فرستاد باد اورده اهدایی آمریکا برای "استفاده بهینه" از آنها، تحت هیچ شرایطی حاضر به از کف دادن آن انتظارات رژیم ولايت فقهی برمی گردد، اینجا که توافق بر سر عراق منوط به پذیرفته شدن جمهوری اسلامی به عنوان شریک یا رقیب همسنگ آمریکا در این مرکزی عراق فرمان می راند، توanstه همکاری ای از چشم نیز است. در حالی که بیرونی و

شروع این کشور به گذشت آغازگر را به

پنداشته شود ملاها دار شوند، تقریبا هیچ سیاست گسترش نفوذ خود در عراق را در منافع آن در معادلات اقتصادی و امنیتی مربوط به آن، منظور گردید.

را بایه، مُقدّم صدر تهرا کانالی نیست که می توان از روزان آن چهاره ای از چشم نیز خود. حتی گروههای نیرومند کرد نیز را بایه، مُقدّم صدر تهرا کانالی نیست که به گونه بالقوه قادر بودند نقشی مشابه "مجاهدین افغان" ایفا کنند، به

سبب پیچیدگیهای چیره بر سیاست منطقه و منافع ناهمکون مُحرك آن و نیز فقدان مُتحد یا شریک غیر بومی به متابه فاکتور متوانند کنند، در عمل استفاده پذیر نیزند.

- سر آخر، مُهمترین عاملی که برخلاف مُدل افغانستان، بر میزان دست و دلیزی ملاها برای سرمایه گذاری در شرکت سهامی جدید تاثیر جدی می گذارد، میزان نفوذ در عراق و درجه توانایی در تاثیر گذاری بر تحولات این کشور است. مُتحدان

جمهوری اسلامی در افغانستان از هر دو زاویه ای نوع تعلق مذهبی و توانایی در اقلیت قرار داشتند. به خوبی تصور پذیر است که گردنکشی حکام محلی تحت نفوذ ملاها یا رهبران باندهای مُسلح از نوع آقای ربانی که

باشند تقدیمه می شدند، قادر به ایجاد موانع و مُراحتهای در درس افرینی برای اینها تکمیل این ایجاد را بینایی می داشتند. هم‌زمان اما پدرخوانده افغانستان بود. هم‌زمان ای این در آم القرا به روشی از

جایگاه سیاسی، توان عملی و ظرفیت احتمالی دست نشاندگان خود در هیرارشی قدرت در افغانستان آغازی داشتند. اگر چه تأثیر موشکهای کروز شلیک شده از روی ناوهای هواپیما بر آن، ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی، شفاف ساختن آن و ارایه تضمینهای لازم در اشکال حقوقی و قانونی برای تاکید بر پایدار بودن آنها، یک شرط حاصلی به شمار می رود. این دُرست

بچه از صفحه ۳

مستقیم یا غیرمستقیم بدین منظور را افزایش می دهد. اشتیاق روزافزون پایوران و کارگزاران جمهوری اسلامی برای اشاره ای به جا یا نا به جا به هزینه های مالی و انسانی آمریکا در عراق، از آگاهی به حساسیت این امر برای کاخ سفید و فشاری که چه از نظر داخلی و چه خارجی از این جانب متوجه دستگاه رهبری آمریکا است، ناشی می شود.

در مقایسه با آنچه که آمریکا اینک در عراق با آن دست و پنجه نیز می کند، اشغال افغانستان و فرآیند ثبات بخشی به آن می تواند بازی خانگی نامیده شود. این ازیابی تهرا بر ناتوانی فراینده ارتش ۱۵۰ هزارنفری آمریکا در عراق خود مُنکر نیست. در حالی که بیرونی و

"الاتلاف شمال" توансنت وظیفه ای جایگزینی قدرت سیاسی طلبان با نمایندگی سیاسی قدرت اشغالگر را به خوبی عُهده دار شوند، تقریبا هیچ

توانایی برخوردار باشد، در فلک ژئوپلیتیک این کشور به چشم نمی خورد. حتی گروههای نیرومند کرد نیز را بایه، مُقدّم صدر تهرا کانالی نیست که به گونه بالقوه قادر بودند نقشی مشابه "مجاهدین افغان" ایفا کنند، به

سبب پیچیدگیهای چیره بر سیاست منطقه و منافع ناهمکون مُحرك آن و نیز فقدان مُتحد یا شریک غیر بومی به متابه فاکتور متوانند کنند، در عمل استفاده پذیر نیزند.

- سر آخر، مُهمترین عاملی که برخلاف مُدل افغانستان، بر میزان دست و دلیزی ملاها برای سرمایه گذاری در شرکت سهامی جدید تاثیر جدی می گذارد، میزان نفوذ در عراق و درجه توانایی در تاثیر گذاری بر تحولات این کشور است. مُتحدان

جمهوری اسلامی در افغانستان از هر دو زاویه ای نوع تعلق مذهبی و توانایی در اقلیت قرار داشتند. به خوبی تصور پذیر است که گردنکشی حکام

باندهای مُسلح از نوع آقای ربانی که توسط آنها تقدیمه می شدند، قادر به ایجاد موانع و مُراحتهای در درس افرینی برای اینها تکمیل این ایجاد را بینایی می داشتند. هم‌زمان اما پدرخوانده افغانستان بود. هم‌زمان ای این در آم القرا به روشی از

جایگاه سیاسی، توان عملی و ظرفیت احتمالی دست نشاندگان خود در هیرارشی قدرت در افغانستان آغازی داشتند. اگر چه تأثیر موشکهای کروز شلیک شده از روی ناوهای هواپیما بر آن، ایجاد دگرگونی در ساختار سیاسی، شفاف ساختن آن و ارایه تضمینهای لازم در اشکال حقوقی و قانونی برای تاکید بر پایدار بودن آنها، یک شرط حاصلی به شمار می رود. این دُرست

زندگی زحمتکشان را صد چندان دشوارتر نموده است.

بیکاری یک تهدید جدی در مقابل کارگران شاغل است که هر روز بخش وسیعتری از آنان را در بر می‌گیرد. در یک نمونه، ۱۸۰۰ کارگر شاغل در کارخانه کشت و صنعت مغان واقع در اردبیل بیکار شدند.

عدم دریافت حقوق طی سالهای اخیر در واحدهای تولیدی خصوصی سازی شده، تبدیل به امری رایج شده است.

کارگران شاغل در یک منطقه شهرداری، بیش از ۲ ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند. حداقل حقوق تعیین شده از طرف وزارت کار که معادل ۱۲۵ هزار تومان است بنا بر آمارهای ارائه شده در رسانه‌های حکومتی، زیر خط فقر قرار دارد. اما کارگران فراردادی و واحدهای تولیدی زیر ۱۰ نفر این حداقل حقوق را هم دریافت نمی‌کنند. شرایط بدنه داری به این کارگران تحمل می‌شود در حالی که هیچ قانون کاری از آنها حمایت نمی‌کند.

با به گزارش خبرگزاری ایلنا ۲۲ آذر، کارگران ناحیه ۷ شهرداری تهران در ۲ شیفت کاری از شب تا ۱۰ صبح ۲ بعد از ظهر تا ۶ عصر کار می‌کنند و در ازای ۱۴ ساعت کار ۱۲۰ هزار تومان حقوق دریافت می‌کنند.

کارگران «ایران برک» واقع در رشت، در اعتراض به عدم دریافت ۸ ماه حقوق خود، روز سه شنبه ۱۵ آذر در مقابل اداره کل صنایع و معادن استان گیلان دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران «پوشینه بافت» روز سه شنبه ۱۵ آذر در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه حقوق خود در مقابل استانداری قزوین تجمع نمودند. بر اساس گزارش ایلنا، ۱۵ آذر در این حرکت اعتراضی صدها نفر از کارگران شرکت داشتند.

روز دوشنبه ۲۱ آذر کارگران شرکت «سامیکوه صنعت» در مقابل فرمانداری همدان تجمع اعتراضی نمودند. این کارگان به تعطیلی شرکت و بیکاری خود اعتراض داشتند.

روز ۲۳ آذر، کارگران شرکت نساجی واقع در غرب کرمانشاه در اعتراض به عدم دریافت حقوق و تعطیلی کارخانه در مقابل استانداری کرمانشاه تجمع اعتراضی نمودند.

زینت میرهاشمی

این روز جهانی حقوق بشر به اعلامیه جهانی وفادار بمانند و صادقانه از حقوق کارگران از جمله حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و کارگری دفاع و محافظت کنند.» از جمله صاحبان امضای این اعلامیه؛ خانم دکتر شیرین عبادی (ایران)، جمی کارتر (آمریکا)، دلالی الاما (تبت)، جان هوم (ایرلند شمالی)، پزشکان بین المللی برای جلوگیری از جنگ هسته‌ای، دکتر جوز راموس هرتا (تیمور شرقی)، آرچیبیشاپ دسموند توتو (افرقای جنوبی)، بتی ویلیامز (ایرلند) و پروفسور جودی ویلیامز (آمریکا) می‌باشند.

تشکیل چنین نهادی و آن هم در سطح

کارگران و زحمتکشان ایران جلب کرده و بدون شک اراده جمعی در دفاع از حق آنان ثمربخش خواهد بود. گروهی از دانشجویان و فعالان جنبش کارگری در پیوستگی و همبستگی جنبش کارگری و دانشجویان، سمیناری در روز یکشنبه ۶ آذر تدارک دیده بودند. این همایش با عنوان بررسی حقوق کار قرار بود در دانشکده اقتصاد علامه طباطبائی انجام شود. حراست داشتگاه و مدیریت دانشکده نیم ساعت قبل از مراسم، اجازه آن را گو نمودند. این مراسم در بیرون دانشکده و در فضای باز برگزار شد. سخنرانان اصلی این مراسم آقای اسانلو طریق اعتراض است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسانی تهران از وزارت کار خواستار ثبت سندیکا گردیده و تا کنون در سازماندهی بخشی از اعتراضهای کارگران این واحد، نقش فعالی داشته است.

دستگیری این رهبران و فعالان جنبش سندیکایی محکوم است. سازمانیابی و برخورداری از تشکلهای مستقل صنفی، حق اعتراض و حق خواسته ای عادلانه و برحق کارگران است که در منشور سازمان جهانی کار به رسمیت شناخته شده است.

جمهوری اسلامی علی رغم عضویت در سازمان جهانی کار، همچنان این حق را پایمال می‌کند. تشکلهای دولتی مانند «خانه کارگر»، «شوراهای اسلامی کار» که نقش وابسته کردن جنبش کارگری به نظام سرمایه داری را دارند عملًا مانع اساسی برای دستیابی کارگران و زحمتکشان به سازمانیابی مستقل خود هستند.

دستیابی به این خواسته دموکراتیک و عادلانه چالش فعالان جنبش کارگری، سندیکایی و تمامی مدافعان حقوق بشر با جمهوری اسلامی است. کمپین علیه دستگیری و محاکمه فعالان جنبش کارگری همچنان ادامه دارد. تلاش برای دفاع از حقوق دستگیر شدگان جنبش سندیکایی شرکت واحد اتوبوسانی تهران و آزادی آنها به این

کمپین اضافه می‌شود. توجه سندیکاهای کارگری، انجمنهای سازمانهای دولتی مدافعان حقوق بشر، نیروهای متفرقی

متالف جهانی این برندگان صلح نوبل در سطح جهان و جنبش دانشجویان، زنان و همه وجودنها بیدار را به نقض حقوق طایفه‌ای تفاضا می‌کنیم که به دنبال

نگاهی به رویدادهای جنبش کارگران و مزدبگیران در آذر ماه



جهانی و از طرف کسانی که به گونه‌ای در صفحه استثمار شدگان جنبش دانشجویی دهنده برجستگی نقض وحشیانه حقوق کارگران در شرایطی که نولیرالیسم حقوق مردم را مورد یورش بده است.

میلیتاریزه شدن فضای دانشگاه و با در زیر به بخشی از مهمترین اعتراضهای کارگری در ماه گذشته اشاره می‌شود.

روز چهارشنبه ۹ آذر کارگران «صناعی پوشش» به دلیل عدم دریافت ۵ ماه حقوق در مقابل کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند و با آتش زدن لاستیک جده اصلی رشت - انزلی را بستند.

کارگران شرکت «مه نخ» و «فر نخ» روز سه شنبه ۲۲ آذر در مقابل وزارت صنایع تجمع اعتراضی بر پا نمودند. کارگران این شرکت در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه حقوق برای چندمین بار دست به اعتراض زدند. به دنبال سیاست خصوصی سازی و فروش سهام واحدهای تولیدی نساجی به نورچشمیها و آغازدها، بحران و رکود در این واحدها گسترش یافته و در موارد زیادی به تعطیلی کشیده شده است.

بیکاری، لغو قراردادهای رسمی و طولانی مدت کار، افزایش قراردادهای کوتاه مدت و پیمانی بدون برخورداری از بیمه و حق بیکاری، و نیز عدم دریافت ماهها حقوق،

قراردادهای جدید بودند. همین امر نیز سبب شکست دو مذاکره در واشنگتن گشت.

جالب توجه آنکه، یکی از موضوعات مورد بحث در گردهمایی افأ، توافق بر سر اجرای کامل قوانین نفتا در زمینه کشاورزی بود. حاصل چنین قراردادهایی سازیزیر شدن محصولات کشاورزی آمریکا به سوی کشورهای عضو خواهد بود. این امر تاکنون سبب از بین رفتن کار و درآمد یک و نیم میلیون روسایی کشاورز مکریکی شده است. همین قوانین تحت اتفاقی می‌تواند میلیونها نفر دیگر را به گرسنگی کشاند و روساییان را به شورش وارد کند.

مدل نفتا آنچنان علیه منافع مردم کشورهای عضو کار کرده است که اکنون حتی کشورهای نزدیک به آمریکای شمالی نیز با تجارت آزاد به این شکل مخالفت می‌کنند. همین امر سبب گشت که بوش توانست در نشست(FTA) که ماه پیش در آرژانتین برگزار شد و ۳۴ کشور را در بر می‌گرفت، برای تعیین تاریخ بعدی مذاکرات از کسی قول یا تهدید بگیرد.

موج مخالفتها و اعتراضات مردم کشورهای آمریکایی که آمریکای شمالی قصد دارد به آنها تحمیل کند، سبب گشته است که رهبران کشورها برای جلوگیری از شورشها براحتی که حاصل تحمیل فقر است، با قراردادهای ضد مردمی از در مخالفت برآید.

مشخص نیست تا کی این فشارها ادامه خواهد یافت. نفنا هرگز مدلی از قرارداد تجارت آزاد نبوده که به سود مردم زحمتکش این منطقه عمل کند. سنگی که کشورهای آمریکایی لاتین در برای راه بوش قرار داده اند، یک پیروزی بزرگ برای مردم زحمتکش آمریکای لاتین به حساب می‌آید.

قرارداد نفتا بین ایالت متحده، مکزیک و کانادا در زمان بوش (پدر) در سال ۱۹۹۲ به امضا رسید. اما می‌باشد به تصویب کنگره آمریکا می‌رسید.

کلینتون تمام هم و غم خود را روی این هدف نهاد و در نهایت نمایندگان مجلس سنا و مجلس آنرا تصویب کردند. کارکرد عملی نفتا کاملاً خلاف نام گول زننده اش که تصویر کاهش مخارج گمرکی و تجارت آزاد پر برگت برای مردم را تداعی می‌کند، تنظیم شده است. این قرارداد بیشتر به معنی یکپارچگی اقتصادی و ادغام سیاسی بوده است. گفته های کیسینجر در مصاحبه با نیویورک تایمز در این باره به اندازه کافی گویا هست، وی ادعای کرده است: "نفتا مبتکرانه ترین راه به سوی نظم نوبن جهانی از بیان جنگ سرد تا کنون را نمایندگی خواهد کرد."

بقیه در صفحه ۷

جری مندر، لوری والش و دیگران) ارائه گشته را بر جسته کرده است.

احتمال شکست ششمین گردهمایی سازمان تجارت جهانی، بحرانهای جدی ای را برای آن پس از شکست سال ۱۹۹۹ در سیاتل که در سال ۲۰۰۱ در قطر تکرار شد، در پی خواهد داشت. دومین شکست در اثر اعتراضات گستردۀ در سال ۲۰۰۳ بود. سپس جمعیتی و تکمیل مذاکرات به زانویه ۲۰۰۵ موكول شد اما این امر هنوز بر سر توافق روی چارچوب اصلی آن در جا می‌زند. چنانچه این مذاکرات تا ماه مارس ۲۰۰۶ به نتیجه نرسد، به دشواری می‌توان مذاکرات پیرامون مسائل عملی اثرا به موقع به پایان رساند. نتیجه نهایی باید پیش از ژوئیه ۲۰۰۷ به کنگره آمریکا برسد، در غیر این صورت تاریخ مصرف آن تمام خواهد شد.

بد شناسی دیگر گردهمایی هنگ کنگ، برگزار شدن آن بالا فاصله پس از شکست نشست FTA در آرژانتین است. با اعتراضات گستردۀ مردم، فعالان، اتحادیه ها و احتمالاً تن دادن کشورهای در حال توسعه به فشارهای آمریکا و اروپا، مذاکرات هنگ کنگ نیز سروشوی همچون نمونه های سیاتل، کنکون و آرژانتین خواهد داشت.

"بعد از نفتا و کفتا نوبت افتا" آنهایی که از تاریخ نمی‌آموزند، محاکوم به تکرار آن می‌شوند" جورج ستایانا (فیلسوف، شاعر و منتقد ادبی- فرنگی آمریکایی)

در سایه یک دهه تجربه نفتا (NAFTA) که وعده زندگی بهتر را به مردم داده املا اکثریت کشورهای درگیر را به روز سیاه کشاند، مذاکرات افتا (AFTA) در واشنگتن با شکست روپرتو گشت. همچنین، پس از دو سال کشور جنوب آفریقا (SACU) (نیز بی تیجه ماند.

در اواخر ماه نوامبر، آخرین دوره مذاکرات افتا که گسترش نفتا (تجارت آزاد) به کشورهای کلمبیا، پرو و اکوادور را هدف گرفته بود و همچنین مذاکرات دوساله SACU (اتحادیه های گمرکی جنوب آفریقا) برای تجارت آزاد، در واشنگتن انجام شد.

هر دو گروه با برنامه سازمان تجارت جهانی WTO-TRIPS-plus به این دلیل که برنامه مذکور سبب بالا رفت قیمت دارو خواهد شد، سبب مخالفت کردند. ماه گذشته در گردهمایی AFTA که در آرژانتین برگزار شد (توضیح بیشتر در نبرد خلق شماره ۲۴۵) "جهان در آینه مرور"، نمایندگان کشور پرو بر سر همین موضوع جلسه را ترک کردند. طرفهای مذاکره کننده آمریکای شمالی مصراوه ای و نیز رشد در سال جاری، در میان کشورهای آمریکای لاتین، سریعترین تحریمی نسخه های پیچیده شده توسعه ریگان- تاچر که در آمریکای شمالی و اروپا به "تجارت آزاد"



جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این شماره می‌خوانید: **WTO** در هنگ کنگ
- نه به نفتا و کفتا نوبت افتا
- هند- آمریکا - جمهوری اسلامی و پرونده اتمی رژیم
- محاکمه ناعادلانه صدام به دست "دافعان دمکراسی"

نه به WTO در هنگ کنگ

بین روزهای ۱۳ تا ۱۸ دسامبر، نمایندگان ۱۴۸ کشور جهان برای تصمیم‌گیری پیرامون ایندۀ اقتصاد جهانی که بر زندگی ۶ میلیارد نفر تاثیر گذار خواهد بود، گرد هم آمدند. ششمین گردهمایی سازمان تجارت جهانی (WTO) این بار در هنگ کنگ (چین) برگزار شد. خدمات اجتماعی، مساله جهانی غذا، کار و توسعه از جمله موضوعات مورد بررسی بود.

در اول دسامبر سال جاری، محورهای بحث در هنگ کنگ به کشورهای شرکت کننده داده شد. بسیاری از آنکه در جنوا به طور شتابزده عمل کرده بودند، این بار اعتراضاتی جدی به برنامه کار داشته و معتقد بودند که برنامه مزبور بیشتر منافع کشورهای توسعه یافته و کمپانیهای بزرگ را در بر گرفته است.

آنچه برای بعد از این در نظر دارد نیز هیچگونه جذابیتی برمنی انگیزد. با این ندارد و تاثیر چشمگیری در رشد اقتصادی جهان نداشته است بلکه، آنچه برای بعد از این در نظر دارد نیز هیچگونه جذابیتی برمنی انگیزد. با این ندارد و تاثیر چشمگیری در رشد اقتصادی جهان آتی - در صورتی که عملی شوند - تا سال ۲۰۱۵ بین ۳ تا ۲۰ دلار در سال برای هر نفر در جهان افزایش درآمد در پی خواهد داشت. این مذاکره کننده، گفتگوهای واشنگتن با چهار کشور جنوب آفریقا (SACU) (نیز بی تیجه ماند.

در اواخر ماه نوامبر، آخرین دوره مذاکرات افتا که گسترش نفتا (تجارت آزاد) به کشورهای کلمبیا، پرو و اکوادور را هدف گرفته بود و همچنین مذاکرات دوساله SACU (اتحادیه های گمرکی جنوب آفریقا) برای تجارت آزاد، در واشنگتن انجام شد.

هر دو گروه با برنامه سازمان تجارت جهانی WTO-TRIPS-plus به این رشد در سال جاری، در میان کشورهای آمریکای لاتین، سریعترین تحریمی نسخه های پیچیده شده توسعه ریگان- تاچر که در آمریکای شمالی و اروپا به "تجارت آزاد"

معروفند یا همان جهانی سازی را در پشت سر دارند یا هنوز با آثار آن دست و پنج نرم می‌کنند. هسته مرکزی این سیاستها را خصوصی سازی خدمات اجتماعی، تضعیف قوانین کار، نامنظم گرداندن صنعت، گشایش به سمت سراسر جهان (والدین بلو، واندان شیوه، سرمایه گذاریهای خارجی، پایین آوردن

جهان در آینه مرور

بقیه از صفحه ۷

او ادامه می دهد که قرارداد نفتا "تها بک" قرارداد تجاری نیست بلکه "طرحی از سیستم جدید بین المللی" خواهد بود. در همین زمینه دیوید راکفلر به وال استریت ژوئن می گوید: "پس از ۵۰۰ سال همه چیز دست به دست هم داده تا به واقع جهانی تازه در نیمکره غربی ساخته شود." تعدادی دیگر از سرشناسان سیاسی، نفترا نه یکپارچگی اقتصادی بلکه یکپارچه گی سیاسی خوانند. و یک سناتور آمریکایی نیز آنرا "مشت آنهنین" نامید.

روند ناموفق کنونی در تحمل این قراردادها، نقشه ایجاد مدل "اتحادیه اروپا" در نیمکره غربی را با چالشها جدی رویرو کرده است.

هند - آمریکا - جمهوری

اسلامی و پرونده اتمی رژیم تنها چند روز بعد از گردهمایی آزادی حکام در ۲۴ نوامبر در وین، دولت هند اعلام کرد که با فرستادن پرونده حکومت ملاها به شورای امنیت مخالفت خواهد کرد. جبهه چپ (استالینیستی) سریعاً از این تصمیم استقبال کرد و دولت هند را مورد تقدیر قرار داد. با این حال، رسانه های این کشور از جمله رسانه معتبر تایمز هند گزارش داد که دولت (UPA) انتخابی دارد چنانچه این موضوع به رای گیری گذاشته شود، هند در کنار آمریکا و سه کشور اروپایی قرارگیرد و مانند گردهمایی IAEA در ۲۴ سپتامبر سال جاری، علیه ایران رای بدهد.

اگر چه این سخنان ضد و نقیض پاسخی قطعی را در بر نداشت، اما تلاشها یکی که دولت هند به همکاری با خود جلب کند و از این رو به تهدید چهارمین اسلامی ادامه می دهد.

به هر چهت، از آنجا که قدرتمندان

سیاسی و اقتصادی هند در زمینه توسعه روابط حکومت این کشور با واشنگتن، بر سر راه حکومت این کشور با جمهوری اسلامی از جمله صرف بود و هست که بازار فروش سلاحهای خود را زنده نگه دارد و مهتمر از آن، از منع نفت و گاز طبیعی ایران نیز که جمهوری اسلامی برای پایان داد به حراج گذاشته، سودجویی کند. از سوی دیگر، آمریکا نیز خواستار گسترش روابط با هند گردید و پیشنهاد یاری به این کشور برای تبدیل شدن به قدرتی جهانی را داده است.

در همین حال، بخت هند یاری کرد و آمریکا و اروپا تصمیم گرفتند که برای فرستادن پرونده جمهوری اسلامی به شورای امنیت پاشاری نکنند.

اگر چه واشنگتن و ۳ کشور اروپایی صلاح بر این دیدند که پیشنهاد روسیه را مورد آزمایش قرار بدهند اما بی شک

اعدام را منع می کند. اگر صدام محکوم به اعدام شود، مجازات مزبور بی شک عدالت بین المللی و قوانین انگلیس که پای دیگر این ماجرا است را نقض خواهد کرد.

- دادگاه نمایشی

گروههای بین المللی حقوق بشر معتقدند که محکمه صدام برای اثبات بیگانه یا گناهکار بودن او نیست بلکه، هدف توجیه اشغال عراق توسط آمریکا با همکاری انگلیس است. بوش و تونی بلو سخنان تندی علیه صدام به کار می بردند و این در حال است که قضاآفت و اعلام حکم قبل از محکمه غیر قانونی است که به این امر توجهی نشده است. تصاویر و مباحثی که در آن تلاش شده است صدام را قبل از محاکمه مقصص معرفی کند، توسط اشغالگران عراق به وفور بین مردم پخش شده است.

- جانبدارانه بودن دادگاه

دادگاه صدام توسط متحدین جنگ تشكیل شده است. بسیاری بر این باور هستند که وزارت خارجه آمریکا، پنتاگون و وزارت دادگستری آمریکا در پشت پرده این دادگاه را هدایت می کنند.

- قضات

چگونگی انتخاب قضات این دادگاه، میزان تجربه و بی طرفی انان زیر سوال است. برخی از انان تاکنون در صندلی قضاآفت قرار نگرفته اند.

- مخفی بودن شاهد ها

بنابراین به دلایل امنیتی، هویت برخی از شاهدان نامعلوم است. این امر دفاع از صدام را ناقص می کند. همچنین تیم دفاعی صدام از در اختیار نداشتن زمان و مبالغ کافی برای بررسی کیفرخواست خبر داده است.

- تقاضا در استانداردهای اثبات جرم

استانداردهای دادگاههای انگلیس و بسیاری از حوزه های قضایی اروپایی بر پایه "اثبات بدون شک" است. اما دادگاههای عراق در برایر این استاندار سکوت اختیار کرده اند. قضات می توانند او را با استانداردهای پایین تری محکوم کنند.

- عدم نظرارت بین المللی

این دادگاه برخلاف تریبونال جنایی سازمان ملل در رواندا و یوگسلاوی، فاقه نماینده و یا نظراره گر بین المللی است.

- قتل و کلا

قتل و کلاهی صدام، امکان نشان از عدم تامین امنیت انان در اجرای وظیفه یعنی، دفاع از موکل خود دارد.

رادی هند علیه ایران در ۲۴ سپتامبر و با وجود تلاشها جمهوری اسلامی، به معنی ترجیح این کشور در قرار گرفتن کنار آمریکا و اروپا بود.

محاکمه ناعادلانه صدام به

دست "مدافعان دمکراسی

اگر چه صدام حسین دیکتاتور مستبدین بود و تحت حکومت ناعادلانه اش مردم عراق را به بند کشیده بود، اما او نیز می بایست مانند هر مجرم دیگری عادلانه محکمه می شد. دولت بوش که خود با یکی از اتفاقات در آن تهاجمات در تاریخ معاصر، زندگی و هستی مردم عراق را تابود کرد، اکنون چاله ای نظامی و سیاسی ای که آمریکا در اثر پیشامدهای عراق در آن افتاده است، هر روز عمیق تر می شود. این وضعیت ناگوار برای آمریکا سبب آن گشته است تا دست یاری به سوی ملاها داراز کند و با انجام مذکرات در این زمینه، شر انها را از سر خود در عراق کم کند و در بهترین حالت نیز بتواند از کمک ملاها نیز بهره گیرد.

تنها چند روز بعد از گردهمایی آزادی بین المللی اتریزی اتحمی، زلماهی عراق، زبان داراز کرده است. رفستجانی در نماز جمعه روز ۲۵ آذر، محاکمه صدام و تغییر حکومت عراق را تلاشها دیگری اینها در بغداد، در مصاحبه با مجله "سفسیر آمریکا در بغداد" از این مذکور نیز صورت متمامی اعضا حکومتی که به آن وابسته است نیز دیر یا زود به دست مردم ایران محکمه خواهند شد. این که هر دیکتاتوری نهایتاً بایستی به سبب جنایاتی که مرتكب شده محکمه شود امری واضح است. اما این محاکمه در صورتی می تواند نشان از سلامت دولت جدید و جامعه داشته باشد که نمونه ای از یک سیستم عادلانه را به نمایش بگذارد. بی شک مردم ایران نیز زمانی ملاها و حکومتیهای فعلی را به خاطر جنایاتی که مرتكب شده اند، محاکمه خواهند کرد اما تهها زمانی می توان از حقوق بشر به عنوان ارزش موردن احترام در تنظیم روابط ملاها حرف زد که این حقوق حقی در مورد یک جنایتکار هم پاییمال نگردد. شواهد زیر، بر خروج محاکمه صدام حسین از موزاین شناخته شده و قانونی دلالت دارد:

- بازداشت و زندانی پیش از محاکمه

از دسامبر سال ۲۰۰۳ تاکنون، صدام زندانی ایالت متعدد است. براساس قوانین بین المللی، فردی که به جرم جنایی دستگیر می شود باید سریعاً مورد محاکمه قرار گیرد. اما اولین باری که او در تریبونال عراق ظاهر شد، در ژوئیه سال ۲۰۰۴ بود.

- مجازات مرگ

اگر چه قوانین بین المللی مجازات اعدام را منع نکرده است، در اروپا ۵۰ سال است که این مجازات غیر قانونی محسوب می شود. انگلیس نیز بکار ۴۰ کشوری است که پروتکل کنوانسیون حقوق اروپاییها را امضا کرده است. این کنوانسیون مجازات

انتخابات در عراق، بازی بدون پیروزی

لیلا جدیدی

گفته شده است که در انتخابات عراق از ۱۵ میلیون واحد شرایط رای، نزدیک به ۱۱ میلیون به پای صندوقهای رای رفتند. تلاش‌های امریکا و انگلیس برای استقبال و شرکت مردم سنتی مذهب عراق و دیگر جریانها، راه شرکت در انتخابات را برای آنان هموار کرد. از همین رو، دو کشور مذکور و سازمان ملل از چگونگی برگزاری آن ابراز خرسنده کردند.

در همین حال، رفستجانی، بازنده انتخابات نمایشی ریاست جمهوری، انتخابات عراق و دیگر حوادث رخ داده پیرامون آنرا پیروزی برای جمهوری اسلامی و شکست آمریکا خواند.

این شیاد حرفه ای در نمایش نماز جمعه از یک سو جمهوری اسلامی را در این پیروزی "شریک" اعلام کرده و صرف "هزینه زیاد" در این زمینه را شاهد می‌گیرد و از سوی دیگر، ادعای آمریکا مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در عراق را "مسخره و خنده آور" به شمار می‌آورد.

بقیه در صفحه ۱۵

آنان نیز دروغی است برای فرار از پاسخگویی. باید این دولتمردان که اغازگر انحطاطی تازه در جهانند را در پیش چشم مردم رسوا کرد و به مردم فهماند که با ادامه این اوضاع نه تنها جامعه به سوی بربیریت می‌رود بلکه، در فردای این وضعیت هیچ کسی امنیت و آرامش نخواهد داشت.

هرچند در یک بخش این اتفاقات مهندسی افکار عمومی دست اندر کار است و برای ایجاد جو رعب و وحشت سروصدای زیادی پیرامون این موضوع می‌کند اما وجه دیگر آن، عمل به غایت ضد انسانی ای است که با هیچ دلیلی قابل توجیه نیست. این مفهوم بزرگ ترک تازی همه جانبه سرمایه داری و در راس آن لیبرالیسم اقتصادی است که برای جهان روبایی دموکراسی را ساخته است. اگر دموکراسی و عده داده شده آنان که جهانی سازی به ضرب بمب و موشک را رویه خود کرده اند این است، پس وای به حال دیکتاتوری آنها! این یعنی که آنها تازه در آغاز راه هستند و سالی که نکوست، از بهارش پیداست.

اینگونه بود. اما امروز، چه کسی می‌تواند تضمین کند کسی که از خانه اش خارج می‌شود، باز خواهد گشت، از کجا معلوم آهسته آهسته بساط انتقام گیری و لو دادهای کاسه‌های داغ تراز آش رواج پیدا نکند و جایزه بگیرهای سازمانهای اطلاعاتی ناگهان همچون

اچ ملعق بر سر کسانی بیگناه نازل نشوند. اینست که - بی رودرایستی - باید فاتحه آنچه که امشم را دموکراسی اروپایی گذاشته اند را خواند چون شرط ابتدایی دموکراسی احساس امنیت شهروندان است. با این شلتاقی که سازمانهای امنیتی می‌کنند و همه هم یک صدا آنرا به گردن سیا می‌اندازند، چه کسی احساس امنیت می‌کند؟ آرامش را دیگر چگونه می‌شود معنا کرد؟ اگر آغازگر این ماجرا حضور عناصر بمب به کمر بسته و مشتاقان عملیات انتخاری بود اما ادامه دهنگان آن کسانی هستند که به ظاهر به شغل درکار است. تفاوت در کجاست؟ چه تامین امنیت مشغولند. اما آیا در این موقعیتی که پیش آمده است می‌توان آنان را ماموران امنیتی نامید و یا عناصری اند که به سلب آسایش مردم کوچه و خیابان مشغولند.

چگونه می‌شود در برابر این همه بی شرمی ایستاد، چطور می‌شود جلو احساسی که کم کم بر جامعه مستولی می‌شود را گرفت؟ اگر مردم بدیزیرند که اینان حاکمان بی چون و چرا بیند و در برابر قدرت بی انتهاشان بی دفاع هستند، آنوقت دیگر باید فاتحه همه چیز را خواند. حقوق شهروندی، برخورداری از حق داشتن آگاهی از بازداشت و یا غیر انسانی بودن کنترل همه شوونات مردم، بویژه نصب دوربینهای کنترل کننده و همه اینها در امکانی برای باز پس گیری این حقوق استفاده می‌کنند. کسانی که با کشتار مردم بیگناه این فرست را برای آنان مهیا می‌کنند، دست در دست آنها علیه منافع عمومی مردم عمل می‌کنند. باید در عرصه اجتماع هر دو طرف این ماجرا را افشا کرد و علیه پایمال کنندگان حقوق اساسی مردم قیام کرد. اینکه ماموران امنیتی در خیابانهای اروپا دست به ادم نزدی بزنند و به ظاهر به طور پنهانی آنان را به کشورهای دیگر برای شکنجه منتقل کنند، هیچ توجهی ندارد و به ندانستن زدن دولتها نیز نمی‌تواند قبیح آن را کم کند. آنها می‌دانند؛ زیرا زیر بینی ماموران امنیتی خودشان این اتفاقات رخ داده است. بی اطلاع بودن

جعفر پویه

زدیدن افراد و انتقال آنها به زندانهای

محفوی است که انجام می‌گیرد. حمل زندانی به محلی دیگر و تحت شکنجه قرار دادن او، به جز حاکم کردن جو رعب و وحشت آیا چیز دیگری است؟ انگار کسی را توان مخالفت با گوانتانامو هست و اگر باشد، مگر گوش شنوابی وجود دارد؟ امروز دیگر همه می‌دانند در زندانهای مانند ابو غریب در عراق و همچون عزراپیل ناگهان بر مظلومی که حضورش بیش از این تحمل نمی‌شده، توسط پیمانکاران امنیتی اداره می‌شود، چه می‌گذرد. هیچکس مبهوت نمی‌شود وقی که می‌شنود در چند کیلومتری کوره های آدم سوزی هیئتی در لهستان، بار دیگر در زندانهای نمور، غفریت مرگ سخت درکار است. تفاوت در کجاست؟ چه کسی می‌تواند پکوید کسانیکه در این زندانها به صلاحه کشیده می‌شوند، از آنانی که ۶۰ سال قبل در آنجا به کوره ها سپرده شدند، کمتر مستحق رفقار انسانی و رعایت حقوق جهانی حقوق بشر، گذشته نیز مجریان مرگ هزاران را توجیه می‌ترایسیدند تا ثابت کنند که زندانیان باید به چنین جزایی برسند، همان کاری که امروز می‌کنند.

اما این که در عصر مدرنیته، مظنوان نیز جزو اقلام صادراتی به حساب آمده و در هاواییا بارگیری شوند، تحفه جدیدی است. حرفة ایها وقت زیادی ندانند تا تلف کنند. در هر جایی عده ای اعتراف گیر محلی که در این کار به درجه استادی رسیده اند، دست به کار شده اند. همچون پیمانکاران نظامی، پیمانکاران امنیتی و کارشناسان اعتراف گذشتند و شکل گرفته و چشمها بی بزرگ، مواطن همه حرکات مردم است. دیگر صحبت از لحظاتی خصوصی و دور از چشم اغیار بی معنی است. حال دیگر هر حرف و حرکتی علیه ناظران و هر عملی که بوسیله این این استشمام خود ساخته و "بیزنس" جدیدی را ارائه می‌دهند. سرعت عمل و تخصص در دریافت اطلاعات و تبدیل زندانی به تفاله ای غیر قابل مصرف، حرفة آنان است. همه جور امکانات نیز در اختیار دارند، از هاواییا و سیستم حمل و نقل دهانهای معتبرض را بینندند.

ظاهر قضیه از این قرار است که چون همه اینها می‌توانند در ابتدای امر موجی از تغیر و انجشار به طور پنهانی آنان وجود ندارد، پس افراد ریوده شده را به جایی ثانی وحشتی بیافریند که کسی حتی در خانه و خیابان محل زندگی خود نیز اینان مجاز شمرده می‌شود. این یعنی همان کلاه شرعی خودمان که کرد! آری، اگر نه صد درصد اما با توصل به قوانین مدنی و جزایی و حقوق شهروندی که تا همین چند وقت پیش طومارش به هم نپیچیده بود،

پروازهای مرگ بر فراز اروپا

پرنده های مرگ حامل زندانهای غیر قانونی، از این فرودگاه اروپایی به فرودگاهی دیگر در پروازند. عوامل سیا، زندانیانی را با این پروازها جابجا می‌کنند که از خیابانهای شهرهای اروپایی دزدیده اند. سرنوشتی که همچون عزراپیل ناگهان بر مظلومی که حضورش بیش از این تحمل نمی‌شده، فرود آمد است. هیچ کس پاسخگو نیست و چه کسی می‌داند در این بگیر و بیند و شلتاق تروریستهای فرضی که هر آن ممکن است جایی را به آتش و خون بکشد، مظنوان به کجا رفته اند. چشمها عرض و طویل اطلاعاتی که هر عملی را برای خود مجاز می‌شمارند، در این موقعیت کورند. شتر دیدی نیدی! به همین دلیل، در قلب اروپایی به ظاهر رعایت کننده حقوق انسانها و احترام گذارندگان به ناگهان گم می‌شوند و هیچ کسانی بی از آنان نیز به دست نمی‌آید. ماموران راه بدل و نظارت کنندگان بر زندگانی خصوصی مردم، همه اطلاعات پیدا و پنهان شهرهای شهروندان را در کیسه دارند و این دیگر مثل روز روشن است که از صدقه سر دوربینهای کار گذاشته شده در معابر و مراکز تجمع عمومی و غیر عمومی، همه حرکات شهرهای زیر نظر است. کاوس جرج ارول در قلعه حیوانات شکل گرفته و چشمها بی بزرگ، مواطن همه حرکات مردم است. دیگر صحبت از لحظاتی خصوصی و دور از چشم اغیار بی معنی است. حال دیگر هر حرف و حرکتی علیه ناظران و هر عملی که بوسیله این این استشمام خود ساخته و "بیزنس" جدیدی را ارائه می‌دهند. سرعت عمل و تخصص در دریافت اطلاعات و تبدیل زندانی به تفاله ای غیر قابل مصرف، حرفة آنان است. همه جور امکانات نیز در اختیار دارند، از هاواییا و سیستم حمل و نقل دهانهای معتبرض را بینندند.

ظاهر قضیه از این قرار است که چون اجازه شکنجه در کشورهای آنان وجود ندارد، پس افراد ریوده شده را به جایی ثانی وحشتی بیافریند که کسی حتی در خانه و خیابان محل زندگی خود نیز اینان مجاز شمرده می‌شود. این یعنی همان کلاه شرعی خودمان که سالهای است که متتجاوزان به حقوق مردم از آن استفاده می‌کنند (جمهوری اسلامی که از ریشه منکر داشتن زندانی سیاسی می‌شود). اصل بر

به گزارش لیبور نیوز، این کارگران خواستار تداوم قرارداد اشتراکی هستند که در یک کشمکش سخت در سال ۱۹۹۰ به دست آورده‌اند. از زمانی که کارخانه فوق توسط شرکت البت خریداری شده، سیاستهای ضد تشکل کارگری به سرحد خود رسیده است. گفتنی است که شرکت البت از نظر اعمال سیاستهای ضد کارگری شهرت فراوانی دارد. سود کارخانه تدبیران که لوازم ارتقاطی برای ارتش اسرائیل تولید می‌کند، طی ۲۵ سال گذشته رشدی برابر با ۲۵ درصد داشته است. اما صاحبان کارخانه نه تنها از انجام وظایف خود منی بر پرداخت حقوق بازنیستگی کارگران طفره رفته و از بالا بردن حقوق آنان استعمال می‌کنند بلکه، ۱۵ کارگر کارخانه را جهت از بین بردن اتحادیه کارگری که به ستیزه جویی و مقاومت مشهور است، تهدید به اخراج کرده‌اند. کارگران، کارخانه را اشغال کرده و از نقل و انتقال محموله از داخل به خارج کارخانه جلوگیری می‌کنند. کارگران دیگر نیز در جلوی دفاتر شرکت البت در خیابانها دست به راهپیمایی زده‌اند. بر اساس گزارش‌های دیگر، صاحبان کارخانه برای در هم شکستن اعتضاب، برق کارخانه را قطع کرده‌اند.

بلژیک

راهپیمایی ضد هزار کارگر در بروکسل بر اساس گزارش وب سایت کمیته بین المللی کارگران در بلژیک، نزدیک به صد هزار کارگر در تاریخ ۲۸ اکتبر علیه طرح دولت جهت بازنیستگی قبل از موعد دست به راهپیمایی زدند. بر اساس این طرح، دولت قصد دارد زمان بازنیستگی قبل از موعد را از ۵۸ سال به ۶۰ سال افزایش دهد و این موضوع فقط شامل کسانی می‌شود که به مدت ۳۵ سال کار کرده باشند و بدین ترتیب دولت به برنامه بازنیستگی قبل از موعد کارگران حمله کرده و باعث خشم آنان شده است. این راهپیمایی توسط دو اتحادیه سوسیال دموکرات و مسیحی دموکرات سازماندهی شده است.

قطر - اعتضاب یک هفته ای کارگران مهاجر ساختمانی بر اساس گزارش اسوشیتدپرس، کارگران مهاجر علیه وضعیت بد معیشتی خود اعتراض کردن. ششصد کارگر ساختمانی که شامل کارگران پاکستانی، هندی، بنگلادشی، مصری، فلیپینی و نپالی می‌شوند، با اتحاد عمل بر سر منافع مشترک

بقیه در صفحه ۱۰

۲۰۰۱-۱۹۹۰ کاهش یافته است. دنباله روی از اقتصاد نو - لیبرالیسم در زمینه محدود کردن حقوق زحمتکشان در جهان، به گونه گسترده‌ای به ثبات اقتصادی سیاسی را به همراه داشته است. در واقع تاریخ نو - لیبرالیسم، بحرانهای مالی شدید و فراینده ای را به خود دیده، از جمله این بحرانها، بحران مکزیک در سال ۱۹۹۵، بحران آسیا ۱۹۹۷، بحران روسیه و بربل ۱۹۹۸ و بحران آرژانتین در سال ۲۰۰۱ بوده است.

از سوی دیگر، فاجعه‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی، پیشاپیش باعث رشد و افزایش نفوذ مقاومتها می‌شده است. در این رابطه، اخبار مقاومتها و اعتضابات اخیر گنجش کارگری قابل توجه و تعمق است.

برخی اخبار و گزارشات اعتضابات کارگری در جهان علیه سیاستهای نو - لیبرالیستی:

ایتالیا - اعتضاب عمومی
به گزارش خبرگزاری بی‌بی‌سی، ۲۵ نوامبر ۲۰۰۵، اعتضاب همگانی علیه کاهش بودجه خدمات اجتماعی سال ۲۰۰۶، کشور ایتالیا را فلچ کرد. دهها هزار نفر از کارگران با برقای راهپیمایی در شهرها باعث فلچ شدن بسیاری از فعالیتهای کنشور شدند. کارگران توبوسارانی، واگنهای برقی و ریلهای خط راه آهن به مدت ۴ ساعت اعتضاب کردند. فقط تعداد بسیار کمی قطار در شهرها حرکت می‌کردند و ترافیک هوایی باعث زمین گیر شدن ۲۰۰ هواپیمای خط ایتالیا شد. اداره پست، دانشگاه‌ها و دفاتر دولتی یک روز کامل تعطیل شدند، در بیمارستانها فقط بخش اورژانس مشغول به کار بود، مدارس دست کم به مدت یک ساعت و باشکهای دست کم چهار ساعت در شروع و یا پایان روز تعطیل گشته است.

ایران - ششمین اعتضاب عمومی در ایتالیا طی مدت کمتر از پنج سال می‌باشد که توسط سه فدراسیون اتحادیه بازگانی سازماندهی شده است. این اعتضاب به عنوان یکی از بزرگترین مخالفتها علیه اعمال سیاست ضد منافع کارگران و عدم موفقیت دولت در پیشیرد رشد اقتصادی کشور محسوب می‌شود.

اسرائیل - اعتضاب ۴۵۰ کارگر کارخانه تدبیران کیشیر

سیاستهای نو - لیبرالیستی و جنبش زحمتکشان جهان

الف. آنها

بسیاری از کشورهای جهان، طبقه دولتهای سرمایه داری در آمریکای شمالی و اروپای غربی از سال ۱۹۸۰، سیاستهای نو - لیبرالی را در بیش گرفته‌اند. کشورهای دیگر در آمریکای جنوبی، آسیا و اروپای شرقی نیز زیر فشار نهادهای بین المللی مانند صندوق بین الملی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ناتو به متابه ساختارهای این گرایش، وادرار به پذیرش سیاستهای تحمیلی زیر لوای القاطی همچون "تعديل اقتصادی"، "شوك تراپی" و یا "رفمهای اقتصادی" شده اند تا بین ترتیب، بنای اقتصادی این کشورها با الزامات نو - لیبرالیسم اقتصادی به عنوان سیاست عام سرمایه داری جهانی تطبیق داده شود. سلطه یافتن گرایش نو - لیبرالیستی در برنامه های اقتصادی یک دولت به طور مشخص در کاهش تورم، حفظ توازن مالیاتی، خصوصی سازی هر چه بیشتر جهت آزاد کردن سرمایه و تجارت آزاد، کاهش هزینه های عمومی و بالا بردن نرخ بهره ها نمود پیدا می‌کند. "بازار کار قابل انعطاف" در واقع به معنای حذف بسیاری از قوانین و استانداردهای بازار کار و قطع هزینه های رفاهی اجتماعی است. بازار آزاد که سیاست نو - لیبرالیستی پشتونه نظری آن است، خواهان حذف هرچه بیشتر قوانین و ارزشها اجتماعی می‌باشد که در برابر مسیر ایجاد بازارهای نو و روند دایمی کلاگرایی مانع ایجاد می‌کند. سیستم سرمایه داری سعی می‌کند با پیشیرد نظام بازار آزاد و با تکیه بر سیاستهای نو - لیبرالیستی اقتصادی از بحران فراینده ساختاری خود خارج شده و منافع درازمدت خود را تضمین کند. اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی که با پایین نگه داشتن ارزش نیروی کار یعنی، درآمد زحمتکشان همراه است، به عنوان یورشی از سوی سرمدaran زحمتکشان تلقی می‌شود.

می‌دانند که رفمهای آنان و تعديل اقتصادی قادر است موجبات رشد باشند که توسط سه فدراسیون اتحادیه بازگانی سازماندهی شده است. این اعتضاب به عنوان یکی از بزرگترین مخالفتها علیه اعمال سیاست ضد اقتصادی در دوران خود را فراهم کند. - لیبرالیستی، بسیاری از امکانات رفاهی همگانی که به منزله دستاوردهای مترقبی بشر محاسب می‌شود، به یغما رفته است. عدم تنااسب در اصل، ماهیت و خصلت این پدیده در تضاد با منافع زحمتکشان جهان است. طی دهه ها اعمال سیاستهای نو - لیبرالیستی که به نگاهی به وضیعت اقتصاد جهان، تو خالی بودن این ادعا را روشن می‌سازد؛ نرخ متوجه رشد سالانه تولید ناخالص داخلی جهان از ۴,۹٪ در ۱۹۷۳-۱۹۵۰ به ۳,۰٪ طی سالهای ۱۹۷۳-۱۹۹۲ و به ۲,۷٪ بین سالهای رشد کرده است. به طوری که در

الله نورانی حاجی احمدی نژاد این بار در مکه

لیلا جدیدی
الله ای از نور که احمدی نژاد پیش از این در مجمع عمومی سازمان ملل بالای سر خود احساس کرده بود، در اجلاس فوق العاده سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در مکه نیز چراغان شد. این بار نیز این هاله، تصویری روشن از تحریر، رذالت و اهداف پلید رژیمی که او نمایندگی می کند را در معرض دید همگانی قرار داد.

اگر چه نماینده خامنه ای هدف این کنفرانس را مقابله با چالشهای جهان اسلام خواند، اما تلاش او برای مقابله با چالشهای سر راه رژیم خود نمی توانست از چشمها پوشیده بماند.

بحran زای - تنها فضایی که جمهوری اسلامی می تواند در آن نفس کند - بهترین دلیل برای سنگر گرفتن احمدی نژاد در پشت چهار موضع دایمی بحران آفرین بود. سرمایه گذاری روی گرفتن حمایت از بنیادگرایان اسلامی به عنوان یک سلاح، تمرکز روی دست یابی به سلاح هسته ای، گسترش نیروی دفاعی و هوچی گری در مورد مساله اسراییل و فلسطین برای ایجاد جو تهدید و وحشت.

کشورهای عربی که تا کنون نتوانسته اند در گردهم آیهای خود به توقافات عملی مشترک و جدی دست یابند و سطح پایین و ۳ درصدی روابط اقتصادی ایشان با یکدیگر گواهی بر این امر است، به پهیچوجه تکه گاه مورد اعتمادی برای رژیم نمی توانستند باشند. در این کنفرانس، کشورهای مذکور نسبت به اهداف هسته ای رژیم روی خوشی نشان ندادند. از سوی دیگر، آنها به حفظ روابط شان با غرب و امنیت خود بیش از این اهمیت می دهند که در جبهه ای کنار رژیم قرار بگیرند؛ اگر چه هفتاد من کاغذ هم در این باره سیاه کنند.

در طول همین سفر، احمدی نژاد با هدف جنجال آفرینی و جلب حمایت بنیادگرایان عرب، در مصاحبه ای با شبکه العالم، ارتکاب اعمال جنایتکارانه هیتلر علیه یهودیان را مورد تردید قرار داد و از آلمان و اتریش خواست تا "رژیم صهیونیستی" را به کشور خود انتقال دهند. این حرفها که هیچ منافعی برای صلح و حل مشکل مردم فلسطین و اسراییل ندارد، نگرانی غریبها را بیشتر برانگیخت و آنان را بیش از پیش بر تاکید بر خطرناک بودن اهداف رژیم و داشت.

فرق بین خاتمی و احمدی نژاد، دو مزدور رژیم در همین است که هاله نورانی بالای سر احمدی نژاد، تراوשותات چرکین رژیم را در برابر چشم جهانیان قرار می دهد اما خاتمی آنها را زیر عبای سیاه ابریشمین اش پنهان کرده و مردم جهان را فریب می داد.

در هر دو صورت، هر دوی آنها رژیمی را نمایندگی کرده و می کنند که در گرداب نیست دست و پا می زند و از همین رو، همه شیوه های غیر اخلاقی و غیر انسانی را برای نجات خود به کار می برد.

بیشتر از ۱۲ کشور جهان در هنگ کنگ همگان با نشست سازمان تجارت جهانی راهپیمایی کردند. بیشتر آنان را کشاورزان کرده ای تشکیل می دادند که از طرح سازمان تجارت جهانی مبنی بر کاهش تعرفه های گمرکی کشاورزی که از وضعیت معیشتی زندگی آنان حمایت می کند، بسیار خشمگین بودند. یک

دانشجوی راهپیمایی شرکت کرده بود ابراز داشت که در این



تجارت جهانی علیه منافع کشاورزان، کارگران و دانشجویان کره ای کنند و باعث رنج و محنت آنان شده است. با وجود اینکه پیشرفت چشمگیر علم و تکنولوژی شرایط را به نفع انسان آنچنان فراهم کرده که همه می توانند از منابع زمینی بهره ببرند اما به دلیل اعمال سیاستهای نو-لیبرالیستی، نیروهای مولد که خود کلید اصلی تولید سرمایه هستند، با شرایطی مملو از فقر، عدم امنیت شغلی و اجتماعی روبرو گردیده اند. بی شک افزایش تخریب اقتصاد جهانی، موقعیتی را برای میلیونها انسان زحمتکش ایجاد می کند که بیش از صبر و تحمل آنان خواهد بود و همراه با آن، مقاومتها و اعتراضات زحمتکشان در سطح جهان، بحران شرایط رفاقت انسانی را تتحمل نمی کنند. نیز گفت: "به صاحبان سرمایه می نزد گوییم که صبر و تحمل ما به پایان رسیده است. ما دیگر شرایط بردگی و حقوق بردگی را تتحمل نمی کنیم. ما امروز یک درس بسیار مهم آموختیم ... ما آموختیم که اتحاد ما رمز پیروزی ماست. آنان ما را بر اساس مذهب، ملت و زبان تقسیم می کنند اما ما با هم متحدهیم زیرا همگی کارگریم و با شرایطی مشترک روبرو هستیم. ما دوست و برادریم و در مقابل استثمار، سرکوب، حقارت و بردگی با هم متعارضیم. همه ثروتمندان هند، مسلمان و مسیحی جهت استثمار ما با هم متحد و شریکیم".

- مراجع:
- 1-United Nations, Human Development Report (Oxford University Press, 2000 and 2002).
 2. See Dollars & Sense, Real World Macro (18th edition, Cambridge).
 3. Monthly Review: The New face of capitalism.

هنگ کنگ ظاهرات علیه سازمان تجارت جهانی راهپیمایی را "شروع یک اعتراض به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، بی پایان" نام نهادند. این ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵، هزاران نفر از راهپیمایی بزرگترین راهپیمایی تا

سیاستهای نولیبرالیستی و جنبش زحمتکشان جهان

بقیه از صفحه ۹

امروز در دبی است. کارگران با وجود شهر گذشتند، پلیس سعی در توقف و متفرق کردن آنان کرد اما کارگران از برگشت امتناع کرده و خواستار مذاکره با مدیران رسمی وزارت کار شدند. آنان به مدت سه ساعت در خیابان ماندند. بعد از اینکه

طبقاتی، علیه وضعیت سخت کار خواسته های آنان در یک ماه آینده برداگان نیست و تعویق پرداخت دستمزدهایشان به مدت یک هفته اعتصاب کردند. آنان خواستار بهبود وضعیت زندگی و پرداخت حقوق به تعویق افتاده شش ماه کار خود شدند. اما صحابان کار تهدید کردند که در صورت ادامه اعتصاب، آنان را از کشور خارج خواهند کرد. اما کارگران به اعتصاب خود تا زمانی که صحابان کار خواسته های آنان را قبول کردند، ادامه دادند. این یک پیشرفت در مبارزات کارگری در کشوری مانند قطر که به نیروی کار کارگران خارجی واپسente است، می باشد. شایان ذکر است که این دوین اعتصاب کارگری در طول چهار ماه گذشته، در این کشور می باشد.

دوی - هفت هزار کارگر مهاجر در دی راهپیمایی کردند بر اساس گزارش رویترز، ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵، هفت هزار کارگر مهاجر در دی، پایتخت امارات متحده عربی، راهپیمایی کردند. آنان در حالی که سرود می خواندند، علیه وضعیت بد عیشتی و عدم پرداخت دستمزد اعتراض کردند. برخی از این کارگران لباسهای قرمز به تن داشتند که به عنوان پرچم از آنان استفاده کردند. بر اساس گزارش تلویزیون الجزیره، کارگران این راهپیمایی را "شروع یک اعتراض به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، بی پایان" نام نهادند. این ۱۷ دسامبر ۲۰۰۵، هزاران نفر از

حدود ۸۰ میلیارد بورو می باشد. در حالی که حجم نقدینگی در سال ۱۳۵۵ حدود ۱,۵ هزار میلیارد و در سال ۱۳۷۰ حدود ۲۸,۵ هزار میلیارد ریال بود. بدین ترتیب از سال ۱۳۷۰ تاکنون حجم نقدینگی ۲۷۷,۴ برابر افزایش پیدا کرده است. این افزایش سرسام اور نقدینگی، یعنی سالانه به طور متوسط ۲۰۰ درصد، و اینا شت آن در دست صاحبان قدرت است که زندگی مردم را به تباہی کشیده است. هر چه بیشتر بخواهم بنویسم نمی تواند گویاتر از آمار منتشر شده دولتی باشد. پس با ذکر چند نمونه به مطلب خاتمه می دهم.

الودگی و هدر رفتن آب آب یکی از مهمترین پارامتر های توسعه جامعه و نقش تعیین کننده در زندگی مردم دارد. اخیرین برآوردها نشان می دهد خسارات سالانه الودگی آب در ایران ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال معادل ۲/۸۲ درصد تولید ناخالص داخلی است.

بانک جهانی در آخرین گزارش خود از خسارات الودگی آبها در ایران با ذکر موقعیت جغرافیایی و اقیانی و میزان متوسط بارندگی، به میزان کاهش ذخایر آبی در طی سالیان گذشته و نقش آبهای زیرزمینی در توسعه کشور و مسایلی مانند فاضلاب، راههای انتقال فاضلاب، تاثیراتی که کمبود آب بر روی سلامت، بهداشت عمومی و هدایت شود.

بیماری ناشی از این امر اسهال است - و نیز تاثیر کمبود آب در مرگ و میر افراد بالای ۵ سال و همچنین مرگ و میر و نشانه های بیماری در کودکان زیر پنج سال اشاره و اعلام کرد: «طبق تحقیقاتی که در خصوص تاثیر کمبود آب بر سلامتی انجام شده، میزان هزینه حداقلی در این زمینه یک میلیون و ۹۰ هزار دلار امریکا برای با ۴۹۰ میلیون و تولید ناخالص داخلی و میزان هزینه حداکثری ۳ میلیون و ۹۵ هزار دلار امریکا برای با ۳۱ میلیارد و ۲۷۰ میلیون ریال و ۳/۴۷ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می دهد.»

در این گزارش که ایستانا بخشی از آن را در روز جمعه ۲۷ آبان ۱۳۸۴ منتشر کرده همچنین به میزان آبهای زیرزمینی در مناطق مختلف ایران و به کاهش سطح آبهای زیرزمینی و هزینه های جایگزینی چاههای خشک شده، فرسایش یا کاهش آب و جلوگیری از رسوب گذاری اشاره شده است. به شکلی که آمارها نشان می دهد کمبود آب آشامیدنی و کاهش

بقیه در صفحه ۱۲

چرا های بیشمار دیگری هم وجود دارد. راستی چرا؟ در کشور ما همه امورات کشور بر اساس منافع راس هرم قدرت، یعنی ولایت فقیه سامان می یابد. هزینه های سنگین نظامی و امنیتی به منظور سرکوب مردم و توسعه ترویریسم و بینادگرایی در جهان، فساد در دستگاه حکومتی، گسترش اقتصاد دلالی و سوداگری، فقدان سرمایه گذاری، نبود آموخت و پژوهش موثر، تخریب محیط زیست، گسترش فقر و اختلاف طبقاتی، فقدان بهداشت مناسب، ستم بر زنان، سرگردانی جوانان و گسترش حاشیه نشینی محصول سیاست تامین و تضمین امنیت نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه است.

در مقابل آن یک برنامه توسعه مردمی و مدنی بر اساس استقرار دمکراسی سیاسی (سیستم چند حزبی) و آزادی سندیکاهای اتحادیه ها و شوراهای مردمی، صلح طلبی، به رسمیت ساختن حق مردم برای ایجاد تشکلهای مستقل اجتماعی، لغو ستم جنسی، مذهبی و ملی، دفاع از محیط زیست و بالاخره گسترش سرمایه گذاری در تولید مادی و استفاده بهینه از امکانات و فضایهای کشور است. در یک برنامه توسعه مردمی که باید هر سال بر اساس ارزیابیها تولید سرانه و اشتغال موثر و عدالت اجتماعی افزایش پیدا کند و نقدینگی به سمت تولید هدایت شود.

مهمنترین عامل در توسعه اقتصادی استفاده بهینه از امکانات کشور، برنامه ریزی بر اساس منافع مردم و سرمایه گذاری برای تولید، آموخت و بهداشت است. اگر در کشوری هرچه تولید می شود مصرف شود و یا بخشی از ارزش تولیدات به نقدینگی تبدیل شود، سرمایه ایجاد شده روز به روز مستهلك و در نتیجه کشور از خود پوک می شود. افزایش نقدینگی (یعنی پول را کت که صرف سرمایه گذاری نمی شود) سبب بالا رفتن نرخ تورم و در نتیجه فشار بر اکثریت مردم می شود. در کشور ما این نقدینگی اکنون در دست باند ولی فقیه و بقیه شرکای قدرت است که به هیچوجه مایلیات بر درآمد هم به دولت خودشان نمی دهند.

وقیه نقدینگی بالا می رود نسبت سرمایه گذاری به تولید ناخالص داخلی کاهش می یابد و در نتیجه فعالیتهای تولیدی در صنایع، معادن، کشاورزی، مسکن، حمل و نقل و ارتباطات کاهش می یابد و بخشهای دایر در تولید نیز روز به روز فرسوده می شود. محمدرضا شجاع الدینی، مدیر کل اعتبارات بانک مرکزی می گوید: «حجم نقدینگی کشور تا پایان شهریور ماه سال جاری به ۷۸۴ هزار میلیارد ریال رسید.» (خبرگزاری دولتی فارس: شنبه ۵ آذر ۱۳۸۴) این رقم

در این «مرز پر گهر» و «مدينة فاضله اسلامی» مردم را به خاک سیاه نشانده اند

مهدی سامع
یادداشت هفتة سایت دیدگاه

هدف من از تهیه این مقاله این است که با آمار دولتی نشان دهن که متابع ملی ما توسعه نظام حاکم و در راس آن باند ولایت به یغما می رود و منافع مردم در هیچ زمینه با منافع نظام حاکم همسو نیست.

(ایت الله روح الله خمینی - صحیفه نور: جلد ۹ - صفحه ۷۱) «می گویند مغزها فرار می کنند، این مغزهای پوسیده بگذارید که فرار کنند. شما برای آنها خیلی افسرده نباشید و دنیا همان معنایی که دلشان می خواهد بروند. مگر هر مغزی که به قول شما علم درش بود شریف است؟ ما بنشینیم غصه بخوریم که مغز فرار کرده؟ برای این مغزهایی که به انگلستان و امریکا فرار کردد غصه بخوریم؛ این مغزا بگذار فرار بکنند و یک مغزهای صحیحی بیاند روی کار. حالا می خواهند تصفیه کنند. شما نشسته اید غصه می خورید که چرا اعدام می کنند؟ این مغزا بوسیله برای انسانهای از بین رفته چرا این طور بحث می کنید؟ این مغزا فرار می کنند؛ بگذار فرار کنند. جهنم که فرار کردن. این مغزا مغزهای علمی نبودند. بهتر که فرار می کنند. غصه نخورید برای اینها. اینها باید هم بروند. باید هم فرار کنند. دیگر جای زندگی برای اینها نیست. این مغزا فرار بدر مان نمی خورند. بگذارید فرار کنند. اگر شما هم می دانید که در اینجا کار را تشکیل نیست شما هم فرار کنید» (ایت الله روح الله خمینی در ملاقات با اعضای کمیته امداد روزنامه اطلاعات، ۹ آبان ماه ۱۳۵۸)

می خواستم در ادامه یادداشت پیشین تحت عنوان «خدمتی طراح و بنیانگذار ولایت مطلقه فقیه» این بار در مورد جایگاه ولایت فقیه در قانون اساسی و قدرت واقعی آن در حکومت و این که چرا تضاد مردم با «ولایت فقیه» عدم ترین تضاد جامعه و کانون اصلی سیاست و مبارزه علیه آن می باشد مطلبی بنویسم. در حالی که مشغول تهیه این مقاله و فاکتهای مربوط به آن بودم، انتشار بعضی از آمار تکاندهنده همراه با ادعاهای احمدی نژاد در مورد «مبازره با فساد» توجه مرا جلب کرد و بنابرین آن مطلب را نیمه کاره رها کردم و این نوشته کوتاه همراه با بعضی واقعیتهای تکاندهنده را به عنوان یادداشت هفتة تنظیم کردم.

دوگانگی سیاسی در غرب در مقابل رژیم ملایان

جعفر پویه

جورج بوش، ریس جمهور آمریکا در واکنش به سخنان احمدی نژاد در مورد اسراییل، رژیم ایران را "یک تهدید واقعی برای جهان" نامید. این در حالی است که او قبل همین رژیم را عضوی از محور شرارت نامیده بود. اما بر خلاف این لفاظطیها، آمریکاییها هر زمان که منافیشان اقتضا کرده است، با رژیم ملاها همکاری کرده اند و مستقیم و غیر مستقیم به حمایت از آن پرداخته اند. در زمان حمله ارتش آمریکا و متحدینش به افغانستان، رژیم ملایان همکار غیر رسمی انان در آن بورش بود و در حمله به عراق، تدارکات لازم برای این عمل غیر قانونی را ملایان تهران برای آمریکایی ها انجام دادند. سالهای است که این بدهد بستان بین تهران و واشنگتن در جریان است و از مبادلات اقتصادی تا همکاریهای سیاسی را در بر می گیرد.

حمایت علی امریکاییها از دولت به ظاهر اصلاح طلب خاتمی و محدود کردن ایپوزویسیون ایرانی در آمریکا به بهانه همین همکاری، از نمونه هایی است که بیش از بقیه قابل ذکر است. اما در خفا و پشت پرده تا کنون چه گذشته است، کسی از آن آگاه نیست. ولی اکنون که دولت ایدیلوژیک احمدی نژاد اسب خود را زین کرده است و بی محابا در عرصه های بین المللی می تازاند، باز دیگر بوش به یاد گفته ساقب خود می افتد و آنرا تکرار می کند. در حالیکه این حرفلها هیچ تاثیری بر ارتباطات بین طرفین تا کنون نگذاشته است.

رژیم ولایت فقیه که در صدد دستیابی به سلاح اتمی است. در عراق نیز از موقیت ویژه ای به دلیل همکاری با امریکاییها برخوردار شده است. این رژیم که سودایی یک امپراتوری اسلامی را در سر می پروراند، از همه امکانات برای اجرایی کردن آن استفاده می کند. حال این پرسش به قوتو خود باقی است، رژیمی که از بحران به مثابه فضایی برای زیست خود استقبال می کند چرا می تواند در موقع ضروری با رنگ عوض کردن به دیگران نزدیک شود و به پیشبرد سیاستهای ارتقاگی و خطرناک خود بپردازد؟ آنانی که به این رژیم برای تحکیم خود فرست می دهند، آیا می توانند بازدارنده آن باشند؟ ناقوانی در پیشگیری یک سیاست قاطع در برابر این رژیم چنایکار نشان از دوگانگی سیاسی ای دارد که مدعیان قدرت با آن درگیرند.

ازدواج در مراتب بعدی قرار دارند. مطابق با تحقیق سازمان ملی جوانان به طور متوسط سالانه ۴/۲ جوان در هر صد هزار نفر جمعیت در آذربایجان شرقی، ۲/۳ جوان در استان آذربایجان غربی، ۷/۱ جوان در استان اردبیل، ۳/۱ جوان در استان اصفهان، ۹/۵ جوان در استان ایلام، ۵۶/۳ جوان در استان بوشهر، ۲/۱ جوان در استان تهران، ۳/۳ جوان در استان خراسان، ۴/۳ جوان در استان چهارمحال و بختیاری، ۴/۲ جوان در استان خوزستان، ۵/۳ جوان در استان زنجان، ۶/۳ جوان در استان سمنان، ۸/۰ جوان در استان فارس، ۷/۲ جوان در استان گلستان، ۴/۱ جوان در استان قزوین، ۴ استان کردستان، دو جوان در استان کرمان، ۳/۱۰ جوان در استان کرمانشاه، ۴ جوان در استان کهگیلویه و بویراحمد، یک جوان در استان لرستان، ۶ جوان در استان گیلان، ۶ جوان در استان لرستان، ۳ جوان در استان مازندران و مرکزی و هرمزگان و ۳/۳ جوان در استان یزد خودکشی می کنند. در سال ۷۹ ایام بالاترین و تهران و سیستان و بلوچستان پایین ترین میزان خودکشی را داشتند.» (شیوه زربادی: روزنامه شرق: دوشنبه ۹ آبان ۱۳۸۴) اختلالات روانی «طبق آخرین نتایج تحقیقات وزارت بهداشت، درمان و آموزش پژوهشکی ۲۱ درصد جمعیت ایران ۱۵ میلیون نفر) از یک کسالت روانی رنج می برند و ۶/۰ درصد ایرانیان در اثر ابتلای شدید به بیماریهای روانی شعور خود را از دست داده و به حالتی بنام جنون دچارند از ۱۵ میلیون ایرانی مبتلا به اختلالات روانی به طور میانگین ۲۵/۹ درصد آنان را زنان و ۱۴/۹ درصد را مردان تشکیل می دهند، که ۱۴ درصد آنان جوانان هستند.» (ایسن: ۳ آبان ۱۳۸۴)

امار بی سوادی «محبتجی سعادتی مدیر نهضت سواد آموزی اموزش و پرورش شهرستانهای استان تهران، گفت: در حال حاضر حدود ۸ میلیون بی سواد در کشور وجود دارد که از این تعداد ۸۰۰ هزار نفر در شهر و شهرستانهای استان تهران ساکن هستند. وی افزود: در حال حاضر درصد با سوادی در کشور حدود ۸۶ درصد است که در استان تهران این رقم از حدود ۹۰ درصد بیشتر است اما متأسفانه امارات بی سوادی مطلق نیز در این استان بالاست» (سایت آفتاب: ۱۱ آبان ۱۳۸۴) جمعه ۱۱ آذر ۱۳۸۴ - ۲ دسامبر ۲۰۰۵

مورد خودکشی منجر به فوت در سال ۷۳ به ۳۱۴۳ مورد در سال ۷۸ رسیده است. مطابق با آخرین

امار وزارت بهداشت در سال ۱۳۸۰ روزانه ۷۰۰ تا ۸۰۰ نفر در ایران می میرند. از این میزان روزانه یازده نفر به علت خودکشی و از این تعداد چهار نفر با خودسوزی فوت می کنند که رقم ۴۰۱۵ نفر در کشور را نشان می

ددهد. این در حالی است که مطابق با امار وزارت کشور در سال ۷۵، پنجم نفر در هر صد هزار نفر جمعیت یعنی 3683 نفر و در سال ۷۹، پنجم نفر در هر صد هزار نفر جمعیت یعنی 3187 نفر خودکشی کرده اند. از سوی دیگر طبق

تحقيق دریاره وضعیت خودکشی در ایران که در مجله علمی پژوهشکی قانونی کشور چاپ شده است در کشور حدود ۲۸۴۰ مورد مرگ ناشی از خودکشی در مراکز پژوهشکی قانونی در سال ۱۳۸۰ ثبت شده است که نسبت به سال قبل آزاد ۵/۱۴ درصد در بین مردان و زنان افزایش ۶۲٪ داشته است. نتایج به دست آمده این تحقیق نشان داده است که استان های تهران ۶۶/۱ درصد، آذربایجان شرقی ۴۵/۸ درصد و فارس ۶۹/۷ درصد از کل موارد خودکشی مردان و استان های کرمانشاه ۵۴/۱۲ درصد، فارس ۰/۱۲ درصد و آذربایجان غربی ۰/۱۱ درصد از کل موارد خودکشی زنان را به خود اختصاص داده اند. با در نظر گرفتن جمعیت استان ها، استان های همدان با ۱۳/۵ لرستان با ۴/۱۱ و یلام با ۳/۱۱ خودکشی به ازای هر ۱۰۰ هزار مرد بالاترین نرخ

در این «مرز پر گهر» و
«مدینه فاضله»
اسلامی» مردم را
به خاک
سیاه نشانده اند

قابل ملاحظه منابع آبیهای زیرزمینی در مجموع سالانه ۳ هزار و ۲۰۰ میلیون دلار معادل ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال و ۲/۸۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد.
بر اساس اعلام بانک جهانی خسارات زیست محیطی آب در ایران، به لحاظ مرگ و میر یکهزار و ۵۰۰ میلیون معادل ۱۱ هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال و ۱/۳۲ درصد از تولید ناخالص داخلی و به لحاظ نشانه‌های بیماری ۵۰۰ میلیون دلار معادل ۴ هزار میلیارد ریال و ۰/۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی به لحاظ بروز بیماری ۴۹۵ میلیون دلار معادل سه هزار و ۴۰۰ میلیارد ریال و ۰/۴۶ درصد از تولید ناخالص داخلی است.
همچنین هزینه استخراج آبیهای زیرزمینی و آلوگری آن سالانه ۳۳۵ میلیون دلار معادل ۲ هزار و ۶۷۰ میلیارد ریال و ۰/۲۹ درصد از تولید ناخالص داخلی و هزینه جلوگیری از رسوب گذاری ۳۷۰ میلیون دلار معادل دو هزار و ۹۵۰ میلیارد ریال و ۰/۳۳ درصد از تولید ناخالص داخلی اعلام شده است.
بر این اساس، خسارات زیست محیطی ناشی از آلوگری آب در ایران سالانه ۳ هزار و ۲۰۰ میلیون دلار معادل ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد ریال و ۲/۸۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد.

خودکشی در ایران ۶۵ درصد افرادی که خودکشی می‌کنند، بین ۱۸ تا ۳۴ سال سن دارند. از این تعداد ۵۹ درصد ۱۸ تا ۲۴ ساله و ۴۱ درصد ۲۵ تا ۳۰ ساله هستند. در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ تعداد پرونده‌های اقدام به خودکشی در کشور افزایش قابل توجهی داشته و از ۲۰۱۰ مورد به ۹۲۷ نفر رسیده است و از ۳۲۷۵

رویدادهای هنری

لیلا جدیدی

منوچهر نوذری در گذشت



منوچهر نوذری، یکی از چهره‌های نامدار تلویزیونی که سابقه‌ای دیرینه در تئاتر و سینما نیز داشت، صبح روز چهارشنبه ۱۶ آذر (۷ دسامبر) در سن ۶۹ سالگی در بیمارستان مدرس تهران درگذشت.

آقای نوذری حدود یک ماه بود به دنبال آنچه عارضه کلیوی اعلام شد، در بیمارستان مدرس بستری بود. منوچهر نوذری علاوه بر بازیگری، از پیشکسوتان فن دوبله فیلم نیز به شمار می‌رفت و فعالیت هنری خود را در هفده سالگی با ورود به عرصه دوبله آغاز کرد.

نخستین کنسرت موسیقی کودکان بهم در تالار وحدت اجرا شد. سعید غفاری، آهنگساز جوان حوزه کودک و نوجوان، سرپرستی و رهبری این گروه ۵۵ نفره را بر عهده داشت. ترکیبی از پانزده کودک از بهم و کودکانی که در آموشگاه آموزش می‌بینند، به اجرای این برنامه پرداختند.

اعضای بمب حاضر در این گروه که عده آنها را دختران جوان و نوجوان تشکیل می‌دادند، با لباسهای فرم زیشکی از سایر افراد گروه قابل تشخیص بودند و در ضمن اجرا با خواندن و نواختن فلوت ریکوردر و نیز زیلفون، گروه را همراهی می‌کردند.

علاوه برآن، دو نوازنده سوپرانو ریکوردر، سه نوازنده دختر تورو ریکوردر، یک نوازنده باس ریکوردر و بیست و یک نفر دیگر در گروه حضور داشتند. چهار نوازنده بزرگسال نیز با نواختن پیانو، دف، کمانچه، تمیک و پرکاشن با این گروه همراهی می‌کردند.

اعضای گروه در طول اجرای دو ساعته خود، ۱۴ قطعه را اجرا کردند که چهار قطعه روستا و روستایان همواره در آثار سعادی حضور داشتند. اما سعادی هرگز روستایی نویس نیز با شخصیت‌های داستانهای او معمولاً روستاییانی بودند که در مناساباتی این شاهد صدیق این روزگار تیره باشد. ولی همه کسانی که شاهد کوشش‌های او بودند، می‌دیدند که سعادی خیلی خوب مسابله را درک می‌کرد و می‌کوشید عکس العمل نشان بدهد اما دیگر نمی‌توانست، چرا که روحش را مانند درختی اره کرده بودند."

بیست سال از مرگ

غلامحسین ساعدی گذشت،

یادش گرامی باد

دوم آذر ۱۳۸۴ بیست سال از مرگ

دکتر غلامحسین ساعدی، نویسنده و نمایشنامه نویس معاصر ایران می‌گذرد.

او در یکی از پرتلاطم ترین دورانهای پس از مشروطت به نویسنده‌گی روی

آورد و آثار قابل توجهی خلق کرد.

سعادی در بیست و چهارم دیماه ۱۳۱۴ در تبریز و در خانواده‌ای کارمند و به قول خودش "اندکی

بدحال" به دنیا آمد. در نوجوانی در

سازمان جوانان آذربایجان را به عهده ادیبی ماندگار القبا را منتشر کرد. اینکه بداند سالها بعد، در تابستان

۱۳۶۲ در غربت پاریس، تک و تنها مسؤولیت انتشار روزنامه‌های فریاد،

شش شماره دیگر آن را منتشر خواهد

کرد.

سعادی در دهه‌های چهل و پنجاه چندیار بازداشت شد که آخرین آن در سال ۱۳۵۳ بود. اجرای نمایشنامه

سعادی پس از شکنجه در زندان، در برابر دوربین تلویزیون شاهنشاهی نشست. کاری که هرگز خود را به خاطر آن نیخشد.

دقیق ترین تصویر را از سعادی ای که در سال ۱۳۵۴ از زندان آزاد شد، شاملو می‌دهد:

"آتجه از سعادی، زندان شاه را ترک گفت جانه نیم جانی بیشتر نبود.

سعادی با آن خلاقیت جوشان پس از شکنجه‌های جسمی و بیشتر روحی زندان این، دیگر طفلقا زندگی نکرد.

اهسته اهسته در خود تپید و تپید تا مجله سخن به چاپ رسید.

سعادی سالها با نام مستعار "گوهر مراد" آثار خود را منتشر می‌کرد.

سعادی در گفتگوی منتشر نشده در باره انتخاب این نام گفته است که در پشت خانه سکونتی شان در تبریز

گورستانی متروک بود و او گاه ساعتها در این گورستان قدم می‌زد و در

یکی از این دفعات، چشمش به گور

دختری به نام گوهر- مراد می‌افتد که بسیار جوان از دنیا رفته بوده و همانجا تصمیم می‌گیرد بلکه، خیلی

ساده او را کشته اید. اگر این قتل

عدم انجام نمی‌شد، هیچ چیز نمی‌توانست جلوی بالیدن آن را بگیرد.

وقتی نابود شد، البته دیگر نمی‌بالد و رژیم شاه، سعادی را خیلی ساده نابود کرد."

البته، آقای سعادی همواره در آثار

سعادی حضور داشتند. اما سعادی هرگز روستایی نویس نیز با

در اجرای برقی از قطعات (مثل قطعات کودک کار و سلام، فیلم یا اسلام‌ایدی نیز در

پشت گروه به نمایش درمی‌آمد.

از جمله قطعاتی که در این برنامه اجرا شد، بهترین آثار نمایشی خود را عنوان

دستگاهی از فضای ریتمیک و شاد کودکانه برخوردار بود.

در اجرای برقی از قطعات در این برنامه اجرا شد،

ترانه "به امید شادی" بود که اوسوبی، علم

دستگاهی از زبان پس از زلزله کوبه ئان در سال ۱۹۹۵ ساخته بود و این گروه نیز با

گذاردن شعری بر این کار و تنظیمی تازه آن را اجرا کرد.

اما همین ساعده درهم شکسته، در تابستان ۱۳۵۶ یکی از سازمان دهندگان و برگزار کنندگان شبهای شعر انتیتوکوته در مهر همان سال بود که بعدها به "ده شب" شهرت یافت و سرآغازی شد بر اعتراضات مدنی و اشکار کانون نویسندهان و روشنفکران به رئیم شاه.

او همان سال در لندن به شاملو پیوست و با هم نشریه ایرانشهر را منتشر کردند. در سال ۱۳۵۷ پس از بازگشت به ایران، از اعضای فعال کانون نویسندهان بود و البته در کار شاملو یکی از پایدارترین طوفاران اخراج اعضای حزب توده از کانون نویسندهان ایران.

غلامحسین ساعدی در فروردین ۱۳۶۱ پس از مدتی زندگی در اختفاء از بیم جان، در تعییدی ناخواسته مقیم پاریس شد.

در آنجا هم با جمعی از اعضای دیگر کانون نویسندهان که به تعیید رفته بودند، کانون نویسندهان در تعیید را تشکیل داد.

او چون غریبه‌ای از خود دور افتاده در غربت غرب، دوباره خود نویسنده اش را بازیافت. اما دیگر جسم با او همراهی نمی‌کرد.

سعادی پس از تحمل یک دوره سخت بیماری، در سحرگاه دوم آذر ۱۳۶۴ در اثر خونریزی داخلی در بیمارستان سنت آنتون پاریس درگذشت و چند روز بعد در پرلاشز به خاک سپرده شد.

توضیح: نوشته بالا بخشایی از سخنان خانم لادن پارسی است که در بخش هنری رادیو بی‌بی‌سی امده است.

وزیر ارشاد: برقی فکر می‌کند ادای اصوات، موسیقی است محمد حسین صفار هرنزی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، از ساخت "قیمهای سخفی و توهین کننده به شور مردم" انتقاد کرده و خواسته است محصولات موسیقی گویای هویت "اصیل" ایرانی باشد.

خبرگزاری دانشجویان ایران، ایستا، از قول آقای هرنزی نقل کرده است: "ما به عنوان یک ملت و یک کشور دارای فرهنگی غنی و ساقیه دار هستیم و در عرصه فرهنگی حرفهای مختص به خود داریم. اگر موسیقی و آوازهای ما گویای هویت ما نباشد، نباید راضی باشیم. قصد جسارت به افرادی را که در حوزه موسیقی پاپ فعال هستند، ندارم، اما برخی فکر می‌کنند صرف ادای اصواتی به صورت بلند و کوتاه، آواز و موسیقی است".

انتقاد وزیر ارشاد دولت محمود بقیه در صفحه ۱۵

مهمترین انگیزه اجرای این طرح، شهرت یافتن موضوع همکاری زنان چای فروش با مافیایی سکس در آفریقا است. اما بر اساس تحقیقات برنامه کنترل بیماری ایدز در کشور سودان در سال ۲۰۰۴، فقط یک درصد از ۵۱۲ نفر چای فروش به عنوان تن فروش نیز کار می کردند و سیزده نفر از این میزان به بیماری ایدز مبتلا بوده اند.

بر اساس همین تحقیقات، ۶۱ درصد از زنان چای فروش قادر به خواندن و نوشتن نبوده و ۳۲,۵ درصد آنان از تخصصات پایه ای و ۱۱,۸ درصد از تخصصات ثانوی برخوردار بوده اند.

آقای موسی بوگودا، همانهنج کننده نهاد مبارزه با بیماری ایدز در سودان ابراز می دارد: "زنان چای فروش به دلیل نداشتن تخصصات و عایدی بسیار ناچیز، جزو آسیب پذیرترین اقسام جامعه سودان محسوب می شوند. در هر صورت، نمی توان آنان را جزو تن فروشان مافیایی سکس به حساب اورد. در هر صد متر در خیابانهای خارتومن، یک زن چای فروش مشغول به کار است و نود درصد مشتریهای آنان مرد هستند اما این موضوع آنان را تن فروشان وابسته به مافیای تجارت سکس مبدل نمی سازد."

وی ابراز می دارد: "ارتباط کاری زنان و مردان با یکدیگر، بهترین امکان را برای آگاهی دادن به آنان در رابطه با بیماری ایدز به وجود می آورد. شما زنان را در محلهای سر باز در حال چای فروختن می بینید. از کنار آنان افراد بسیار زیادی در حال آمد و رفت هستند و دقیقاً به همین دلیل است که ما فکر می کنیم که قرار دادن پوسترهایی که به آنان در رابطه با بیماری ایدز آگاهی می دهد، بسیار مفید است و بدین ترتیب زنان چای فروش می توانند همزمان در رابطه با این بیماری به مشتریهای خود اطلاعات بدند."

همچینی بر اساس این تحقیقات، ۴۸ درصد از زنان چای فروش از ابتلاء به بیماری ایدز از طریق ارتباط جنسی اطلاعی ندارند.

بسیاری از مردم سودان با زنان چای فروش احساس همدردی می کنند. اخیراً آزار و اذیت زنان چای فروش توسط پیش محلی طی مقاله ای مندرج در روزنامه سودان عملی ناعادلانه عنوان شده است. زنی چای فروشی ابراز می دارد که همسرش را در چنگ داخلی در جنوب از دست داده است و امروز تها از طریق چای فروشی، از فرزندانش حمایت می کند.

بقیه در صفحه ۱۵

شود کرد؟ برای من راه دیگری جهت امرار معаш وجود ندارد."

خیابانها و مناطق اطراف شهر خارتوم مملو از زنانی است که در برابر معازه ها و یا پشت ساختمنها مشغول فروختن چای به رهگذران هستند. بسیاری از این زنان برای جنگ داخلی سودان، از محل سکونت خود آواره شده اند. بعضی از آنان مهاجرین کشورهای جنگ زده همسایه هستند، برخی همسر خود را از دست داده اند و یا طلاق گرفته و به دلیل نداشتن تخصصات کافی، راه دیگری جز فروش چای برای امرار معاش ندارند.

بسیاری از زنان از یورشهای پلیس محلی و مصادره ایزار کار خود شکایت می کنند. بر اساس گفته های سمیرا الهاشمی، موسس "متاوینات" (تشکل غیردولتی که هدفش فراهم آوردن کارهای قانونی برای زنان فقیر می باشد)، زنان چای فروش به طور مرتباً به دلیل نداشتن جواز کار توسط پلیس محلی مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. سمیرا الهاشمی می گوید: "مشکل اصلی این زنان عدم داشتن جواز کار است اما زنان چای فروش، داشتن جواز کار را الزامی نمی دانند. علاوه بر این، آنان می بایست برای کسب جواز کار و نظارت بهداشتی مبلغی را پرداخت کنند اما این زنان از هیچ شروع کرده اند و قادر به پرداخت پول برای این مسایل نیستند."

برای اینکه شغل این زنان جنبه قانونی به خود بگیرد، آنان می بایست مبلغ ۲۰ دلار آمریکا برای مواد اولیه ساختن چای و ۲۰ دلار دیگر برای جواز کار بپردازند. همچنین آنها می بایست برای گرفتن جوازی که تابت کند به بیماریهای مسری مبتلا نیستند، مورد معاینه پزشکی فرار گیرند، قیمت این الزامات برای کسی که در بهترین زمان سال فقط ۱۲۰ دلار در ماه درآمد دارد، بسیار کلان است.

هاشمی می گوید، این زنان تخصصاتی ندارند و در کلیه و یا چادر زندگی می کنند، تنها راهی که آنان قادرند از خانواده خود حمایت کنند چای فروختن است. جریمه فروش چای بدون داشتن پروانه کار، پرداخت ۵۰۰۰ دینار و یا سپری کردن ۳۰-۱۵ روز زندان است. بدین ترتیب، تنها راه چاره برای بسیاری از زنان چای فروش، فرار از قانون می باشد.

پلیس محلی در همکاری با نهاد امکانات رفاهی و وزارت برنامه های اجتماعی، بر اساس طرحی که "کاشا" نام دارد، هر ماه به جمع آوری زنان چای فروش اقدام می ورزد و آنان را روانه زندان می کند.

وی ادامه می دهد: "کارگران صنعت تخفیف پنجاه درصدی برای پرداخت برق و گاز و استفاده مجاني از وسائل نقلیه عمومی اما دولت در سال ۲۰۰۱

این امتیازات را نه تنها برای کارگران صنعت نفت بلکه، برای بازنشستگان و ارتشیان ملغی اعلام کرد. در صورت پیروزی در انتخابات آینده، ما این مساله را دوباره در پارلمان عنوان خواهیم کرد زیرا به دلیل سختی کار، می بايست برای کارگران صنعت نفت و به ویژه زنان کارگر، امتیازات مشخصی در نظر گرفته شود."

زنان فعال مدافعان حقوق کارگران ابراز می دارند که بسیاری از کارگران مجبورند دو هفته در مناطق ساحلی و دو هفته در مناطق خشک کار کنند زیرا تقریباً هفتاد درصد فعالیتهای نقی و آزمایشگاهی در مناطق نزدیک دریا انجام می گیرد. کارگران خواستار مخصوصی هنگام بد یومن و ضعیت آب و هوا هستند. آنان ابراز می دارند: "در سیاری موقع ما مجبوریم از آب شور به عنوان آب تصفیه شده برای نظافت استفاده کنیم."

زنان در زمان جنگ جهانی دوم به جای مردانی که به جنگ فرستاده شده بودند وارد فعالیت و کار در صنعت نفت شدند. امروز نزدیک به ۱۶ هزار زن در بیش از ۱۰۰ مرکز که به تولید و پالایش نفت می پردازد، مشغول به کار هستند. درصد بسیار بالایی از این کارگران در بخشهای علمی برای شرکتهای مختلف به کارهایی مانند اکتشاف نفت فعالیت دارند. بر اساس این گزارش، هنگام کاهش امکانات و مزایای کاری، زنان کارگر اولین کسانی هستند که مورد لطمہ قرار می گیرند.

خانم قهرمانی ابراز می دارد که با سند ۲۲ دلار میزبانی از کار، به دلیل داشتن عایدات مخالف دولت از کار اخراج شده است. وی می افزاید، به احتمال قوی خواهش نیز فقط به دلیل خویشاوند بودن با او، به سرنوشت مشاهده دچار خواهد شد. مسؤول اثبات داشتن گذاشته می شود.

وی توضیح می دهد: "حتی اگر این امتیازات وجود داشته باشد، به دلیل شرایط خاصی که وجود دارد حتی اگر زنان کارگر باردار بخواهند از قوانین و امکانات زمان بارداری استفاده کنند، به دلیل هراس اخراج از کار به این عمل اقدام نمی ورزند."

زنان به کارهای سنگین مشغولند، بسیاری از آنان در شرایطی کار می کنند که به جرات می توان گفت از هیچگونه امنیت جانی برخودار نیستند. حقوق زنان کارگر کمتر از حقوق مردان می باشد. نظام نامه کار نیز به هیچ وجه رعایت نمی شود."

خانم اسماعیلی لوا، نماینده حزب یمنی آذربایجان ابراز می دارد که هم زنان و هم مردان کارگر صنعت نفت در شرایط بغرنجی مشغول به کار هستند.

زنان در مسیر رهایی

الف. آناهیتا

وضعیت زنان کارگر صنعت

نفت آذربایجان

بنگاه گزارش های صلح و جنگ، ۳ نوامبر ۲۰۰۵ - قوانینی که روی کاغذ در رابطه با زنان کارگر صنعت نفت امده است، بسیار گیرا و قابل ستایش است. از جمله این قوانین، مرخصی با حقوق برای زنان کارگری که برای اولين بار ازدواج می کنند، تعطیلی همراه با حقوق همزمان با باز شدن مدارس و یا مرخصی ویژه با حقوق برای زنان کارگر باردار می باشد. مانند همه کارگران صنعت نفت، آنان نیز به بیمارستان مخصوص وابسته به شرکت تاسیس شده دسترسی دارند. این بیمارستان به دلیل داشتن تجهیزات و امکانات مدرن، یکی از بهترین بیمارستانهای کشور محسوب می شود.

حقوق ماهانه ۲۲۰ دلار آمریکا نسبت به میانگین حقوق عمومی که برای ۱۰۰ دلار در ماه است، درآمد بسیار خوبی به حساب می آید. علاوه بر این، بر اساس قانون کار آذربایجان، زنان کارگر از فعالیت در قسمت تعمیرات زیزمهینی و کارهای سنگین معاف هستند.

با این وجود، زنان کارگر صنعت نفت ابراز می دارند که این قوانین فقط خانم قهرمانی ابراز می دارد که با وجود بیش از بیست سال سابقه کار، به این، زنان دست فروش باید قادر به اثبات داشتن گذاشته با او، به سرنوشت خویشاوند بودن با او، معمول زیر پا گذاشته می شود.

وی توضیح می دهد: "حتی اگر این امتیازات وجود داشته باشد، به دلیل شرایط خاصی که وجود دارد حتی اگر زنان کارگر باردار بخواهند از قوانین و امکانات زمان بارداری استفاده کنند، به دلیل هراس اخراج از کار به این عمل اقدام نمی ورزند."

زنان به کارهای سنگین مشغولند، بسیاری از آنان در شرایطی کار می کنند که به جرات می توان گفت از هیچگونه امنیت جانی برخودار نیستند. حقوق زنان کارگر کمتر از حقوق مردان می باشد. نظام نامه کار نیز به هیچ وجه رعایت نمی شود."

کوشش زنان چای فروش در

سودان

ایران نیوز، ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵ - سادا ادم بر روی ایوان فروشگاه کوچکی واقع در شهر امینا لیحری نشسته و به رهگذران چای می فروشد. بعد از یک روز کار طولانی، او فقط ۴ دلار آمریکا به دست آورده است. او باید با این پول، چهار فرزند خود را بزرگ کند؛ این زندگی بسیار مشکل است اما چه می

رویدادهای هنری

بقیه از صفحه ۱۳

احمدی نژاد تنهایه موسیقی محدود نبود. ایستا از وی نقل کرده است: "برخی فیلمها نباید نمایش داده شود، چون توھین به فهم و شور مردم است. آنهای که به دین و فرهنگ مردم تعرض می کنند، باید با محدودیت مواجه شوند. فیلمهای مبتذل و سخیف به نظر من باید با اعمال محدودیت مواجه شوند."

یکی از اولین تصمیمات دولت آفای احمدی نژاد، منع واردات و پخش فیلمهای با محتوای "مفاهیم سکولاریسم و نهالیسم" بود. پاسدار سابق و وزیر ارشاد فعلی در نطق دیگری به نشریات نیز حمله ور شد: "اگر هر نشریه ای علت وجودی متفاوت از نشریه دیگری داشته باشد، هزاران آتش سوزی در کتابخانه دانشگاه تهران در پی حادثه آتش سوزی در دانشگاه تهران، بخش بزرگی از کتابخانه دانشگاه حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه در شعله های آتش سوخت.

هنوز عل وقوع این آتش سوزی که در ساعت ۴:۳۰ با مداد چهارشنبه ۲۵ آبان اتفاق افتاد، به طور قطعی مخصوص نشده است. متابع رسمی، اتصال سیم برق را علت احتمالی وقوع این حادثه معروف کرده اند.

این آتش سوزی هیچ تلفات جانی در پی نداشته ولی به بخششایی از این کتابخانه از جمله سالنهای مطالعه و دستگاه های کامپیوتر به طور جدی خسارت وارد آورده است. دانشگاه حقوق، یکی از اولین دانشگاه های دانشگاه تهران است که در اوایل دهه ۱۳۱۰ شمسی، یعنی پیش از ۷۰ سال پیش تأسیس شده است.

این آتش سوزی مشکوک که به از بین رفتن کتب علوم سیاسی دانشگاه منجر شده است، چه پیامی برای دانشجویان می تواند داشته باشد؟ این هم از توجه وزیر ارشاد به آثار فرهنگی!

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۱۴

فالان حقوق زنان در بحرین اقدام به بربای راهپیمایی می کنند خلیج تایمز، ۷ نوامبر ۲۰۰۵ - زنان مدافعان حقوق زنان در حمایت از قانون خانواده اقدام به بربای راهپیمایی می کنند. بر اساس این گزارش، طرح مذکور توسط روحاویون مذہبی به دلیل مغایرت داشتن با قانون شرع مورد انقاد قرار گرفته است.

خانم قادا چمشیر، مسؤول به قانون خانواده بدون اهمیت دادن به مسائل زنان، با پیشنهاد قانون مشهور به قانون خانواده مخالفت کرد. اند.

برخی از روحاویان سنی و شیعه در یک ائتلاف خواستار در نظر گرفتن قانون شرع در طرحی که توسط انجمن عالی زنان به منظور اصلاح وضعیت زنان بحرین شده بود، شدند. الوفاق، جامعه اسلامی ملی به هربری شیخ علی سلامان، با ترتیب دادن یک راهپیمایی علیه این موضوع که طرح مذبور در عمل قوانین شرع را رعایت نکرده است، یورش به طرح پیشنهاد شده را تقویت کرد. وی بر رعایت قوانین شرعاً به عنوان یک مسالمه حیاتی پاشارکی کرد. خانم قادا که هربری کمیته عرضه زنان را به عنده دارد، ابراز می دارد که تعامل در تصویت طرح خانواده به معنای عقب بردن کشور به گذشته است و این موضوع بسیار نگران کننده می باشد، به خصوص زمانی که تصویب و اجرای این قانون به عنوان بسیار ضروری و حیاتی می باشد. علاوه بر این، وی ادامه می دهد که اعضا شورا آنچنان که می بایست به قانون خانواده اهمیت ندادند و بطور جدی برای تصویب آن اقدام نکردند.

خانم قادا اضافه می کند، برای کشوری در حال پیشرفت مانند بحرین، عدم وجود شرط و نمادی در قوانین رسمی کشور که بتواند به طور جدی از دختران و زنان بحرینی حمایت کند، بسیار ناخواستین است. خانم قادا طی ماه های گذشته با گردآوری زنانی که قربانی خشونت بوده اند، برای تصویب قانون خانواده تلاش کرده است بدین ترتیب، وی آنان را از اهمیت تصویب هر چه سریعتر قانون مذکور آگاه ساخته و سعی کرده است که اگر امکانش وجود داشته باشد، با مخالفان به گفتگوی علیه پردازد.

گفتنی است که بر اساس گزارش رسانه های داخلی بحرین، طی سال گذشته ۱۳۰۰ مورد خشونت فیزیکی و لفظی علیه زنان اعلام شده است.

مدافعان حقوق زنان در مقابل دولت فیلیپین ص

آرایی کردند

پراودارو، بیست و سه نوامبر ۲۰۰۵ - فالان مدافعان حقوق زنان در شهر منیل، محلی که موضوع شش سباز آمریکایی مورد پیگرد قانونی قرار می گیرد، دست به تجمع زندن. بر اساس این گزارش، شش سباز آمریکایی، به تجاوز یک دختر بیست و دو ساله فیلیپینی متهم شده اند. تجاوز سریازان آمریکایی به دختر فیلیپینی، موجب برانگیختن احساسات مردم فیلیپین شده است. دولت فیلیپین خواستار جلس و محکمه قرار سریازان آمریکایی شده است. سریازان تا تاریخ یک نوامبر، تاریخ دادرسی، در اختیار سفارت آمریکا در فیلیپین بوده اند و دولت آمریکا از انتقال احتمالی آنان را خبر نداده است. شماری از اعضا گروه زنان گابریلا در حالی که بسیار خشمگین بودند، در مقابل دادگاه واقع در مشتاد کیلومتری شهر مانیل با در دست داشتن پلاکارد رژه رفتند. بر اساس نوشته های پلاکاردها، آنان خواستار پاره کردن و ملغی شدن معاهده ای که بر اساس آن نیروهای آمریکایی در کشور فیلیپین تحت آموزش نظامی قرار می گیرند، شدند. آنان فریاد می زدند: "نیروهای آمریکایی بیرون!"، "بو اس امپریالیست، یو اس تورویست جنسی!" منشی دادگاه اعلام کرده است، دولت آمریکا ضمانت داده که سریازان را رهای محکمه هر زمانی که اعلام شود، تحويل می دهد. مسوولینی که در رابطه با این مسالمه تحقیق می کنند قول داده اند که شش سریاز و همه شاهدان و دختر مورد تجاوز قرار گرفته را احضار کرده و با آنان گفتگو کنند اما آنان این قدرت را ندارند که به صورت شخصی خواستار احضار سریازان آمریکایی شوند. منشی وزارت خارجه فیلیپین اعلام کرده است: "ما از همه قدرت و امکانات خود استفاده می کنیم تا رسیدگی به وضعیت متهمن تحت قانون فیلیپین را تضمین کنیم، ما آنان را مورد بازخواست قرار داده و اگر آنان را متهمن یافتیم، طبق قوانین کشور فیلیپین مورد موادخده قرار می دهیم."

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرزا شاهی

تحریریه: لیلا جدیدی

منصور امان

حعفر بوبه

چاپ: اجمان فرهنگی نبرد

نبرد خلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدینه است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبرد خلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمهقاله نبرد خلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراك نبرد خلق با آدرسهاي نبرد خلق تماس بگيرد
بهای اشتراك سالانه

۰۰ یورو	فرانسه
۲۴ یورو	اروپا معادل
۳۶ یورو	آمریکا و کانادا
۴۰ یورو	استرالیا
۱ یورو	تک شماره

اخبار و گزارشهاي جنبش کارگران، مزدگیران و کارکرلن ایران، اخبار تحوالت ایران، عراق و مسائل بین المللی مربوط به آن، اخبار و دیدگاههاي جنبش زنان را هر روز در سایت ایران نبرد بخوانيد.

آدرس نبرد در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E:mail:nabard@iran-nabard.com

چنگ خبر

خبر روزانه را در چنگ بخوانيد

www.jonge-khabar.com

انتخابات در عراق، بازی بدون پیروزی

بقیه از صفحه ۸

رفسجانی بالای منبر و مست از هذیان گویی، با بی توجهی به جام زهری که خمینی نوش جان کرد، مدعی پیروزیهای دیگری از جمله پیروزی رژیم در چنگ با عراق در زمان حکومت خود شد. او عراق و آمریکا را شکست خوردگان چنگ خواند.

اما واقعیت این است که انتخابات پارلمانی عراق تنها یک پرده - آنهم پرده ای نازک - روی ادامه اشغال این کشور و کنترل بیشتر آمریکا بر آن است.

تا آنجا که به جمهوری اسلامی بر می گردد، در همین هفته شکنجه گاه تازه بدر کشف شده و ۶۰ زندانی آن علیه ابراهیم جعفری، نخست وزیر عراق و نمک خورده جمهوری اسلامی، دست به اعتراض زده اند. آقای خلیل زاد، سفیر آمریکا در عراق، این اقدام را همراه با دادن اخطار، به رژیم جمهوری اسلامی نسبت داد. او جمهوری اسلامی را "دولتی هژمونیک با اهداف هژمونیک در منطقه" خواند و تأکید کرد، دخالت در امور عراق قابل تحمل نخواهد بود.

خلیل زاد فردی است که مقامات آمریکایی انتظار دارند پس از انتخابات، قدرت پشت پرده تشکیل اتحادی برای اداره عراق تحت کنترل واشنگتن باشد.

در حالیکه ملاها به کف زدن و اعطای مصالح پیروزی به خود در این امر مانند موردهای دیگر شغولند، عراق که به لحاظ برخورداری از ذخایر نفتی، دومن کشور جهان محسوب می شود و همچنین در متن سیاستهای جهانگشایانه امپریالیسم آمریکا، اهمیت استراتژیک یافته است، تحت کنترل مستقیم یا غیر مستقیم واشنگتن باقی خواهد ماند. ۸۴ آذر ۲۶

NABARD - E - KHALGH

No : 246 22.Decembre. 2005 / Price: \$ 1 - 1 euros

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

NABARD / B.P. 20 /91350 Grigny / Cedex / FRANCE

NABARD / Post fach 102001 / 50460 Koln / GERMANY

NABARD / P.O Box , 1361 / Paramus.NJ / 07653 U.S.A

NABARD / Casella Postale 307 / 65100 Pescara / ITALIA

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

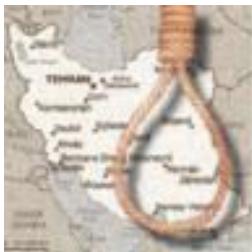
ابزارهای امنیتی - نظامی علیه مُخالف خوانها دی ماه

منصور امان



رقا: فتح الله
کریمی - خاطره
جمالی - مرتفعی
حاج شفیعی ها - حسین محمودیان -
مرتفعی احمدی - سیروس قصیری -
محمد زین الدینی - یوسف زرکاری -
فاطمه حسن پور اصلیل - بهمن
روحی آهنگران - مسروور فرنگ -
حسن نوروزی - فاطمه (شمی) نهانی -
شهرخ میشاقی (ولین شهید جنیش
دانشجویی خارج کشور) - خدابخش
شالی به دست دژخیمان شاه و خمینی در
مبارزه برای دموکراسی و سوسياليسم از
سال ۱۳۵۰ تاکنون به شهادت رسیدند.

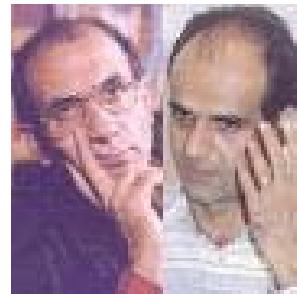
کشمکش بر سر کنترل اطلاعات به مثابه
یک منبع مهم کسب قدرت و تثبیت آن
آغاز شده و در جریان است. از سوی
دیگر، در این حقیقت که کارگزاران رژیم
ولایت فقیه در جدالهای داخلی و بیرونی
خود از روشهای پاکیزه استفاده نمی کنند
نیز تردیدی نیست. این می تواند بدان
معنا باشد که با توجه به ظرفیت باند
امنیتی - نظامی، جهیzen آن از روی پله
های چیده شده در کشاوهای متعارف
داخلی، از شرایط به خوبی مهیا شده ای
برخوردار است. ۱۸ آذر ۸۴



همزمان، طرح تصفیه خبرگزاریها و روزنامه های
دولتی و نیمه دولتی از کارگزاران مُخالف خوان و
نشاندن مُهره های "خودی" تر به جای آنها به تدرج
از اشکال مُشخص تری برخوردار می گردد.

هفتادمین سالگرد قربانیان قتلها سیاسی زنجیره ای

زینت میرهاشمی



هفت سال از قتلها
سیاسی زنجیره ای
گذشت. محمد جعفر
پوینده و محمد
مختاری از اعضای
کانون نویسندگان ایران
در سال ۱۳۷۷ توسط
مزدوران وزارت
اطلاعات جمهوری
اسلامی ربوده و به طور وحشیانه
ای به قتل رسیدند.
روز ۱۱ آذر به دعوت کانون
نویسندگان ایران، مراسمی در
بزرگداشت هفتادمین سالگرد این
سوراخ سوراخ کرد اما نمی توان
آنديشين به تعريف را از بين
برد. می توان قلبهای
شوريدگان بر وضع موجود را
توان عشق به آزادی را از
امکانات تبلیغی باند رانده شده ای "اصلاح طلبان" که
به سرعت رسانه های مورد انتقاد شهردار پیشین،
تصادفا در دست صاحب منصبان حکومت و همچنین
شُرکای وی قرار دارد و به همین سبب نیز برخلاف
امکانات تبلیغی باند رانده شده ای "اصلاح طلبان" که
به سرعت جارو شدند یا بر سر راه فعالیت بازماندگان
آنها موانع و بهانه جوییهای پُرشماری ایجاد گردید
است، طممه های آسانی برای بلعیدن به شمار نمی
روند.
نمایش برافروخته گی ریس جمهور ولی فقیه در
مجلس، می توانست سمت و سو و نیز سطح جلال از
جیش نزدیکی به کانونهای قدرت و درگیر ساختن
ابزارهای برآمده از آن را شناس دهد. اکنون یک سایت
وابسته به دفتر آقای احمدی نژاد، از به صحنه
فرستاده شدن وزارت اطلاعات به پنهان درگیری خبر
داده است. بنا به گزارش این سایت، مقامات امنیتی
ضمن تماس با برخی از دست اندرکاران پایگاه های
اینترنتی، ضمن هشدار به آنها در مورد "نشر اکاذیب و
شایعه پراکنی"، خواستار معرفی رسمی گردانندگان
شده اند.
زنگرهای ای، ترور و کشtar
مُخالفان زمانی پایان می یابد
که عاملان و امران آن
محاکمه شده و رژیم ولایت
برجسته همه دیکتاتورها و
منجمله رژیم ولایت فقیه است.
اما تاریخ مبارزه پایدار و سراسر
خونین نیروهای متفرق علیه
قدرتیهای استبدادی نشان داده
که کشنن معتبر راه از میان
بردن اعتراض نیست. می توان
جانباختگان، حضر پوینده و
محمد مختاری گرامی باد.
۸۴ آذر ۱۳

نابود باد امپریالیسم و ارتیاج جهانی - زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسياليسم